

«آقا این وکلا که... حرف می‌زنند تندنویسها نمی‌توانند  
دقیق بنویسند. آنها‌ی دیگر شکایت می‌کنند... گوش  
بدهید در حافظه‌تان بماند. این تندنویسها نوشته‌ها را  
بیاورند شما بگویید کجا اشتباه هست بعد به چاپ  
بدهند.» مرتضی قلی‌خان هدایت، صنایع‌الدوله، رئیس  
مجلس اول<sup>۱</sup>

## نقدی بر روش تدوین مذاکرات مجلس اول

ناصر سلطانی<sup>۲</sup>

مذاکرات مجلس اول، که بخشی از آن همزمان مذاکرات اولین مجلس مؤسس نیز هست،<sup>۳</sup> از مهم‌ترین اسناد تاریخ حقوق اساسی<sup>۴</sup> است. این سند در پی توجه روزافزون به پژوهشهای تاریخی و همزمان با یک صدمین سالگرد جنبش مشروطه، به کوشش غلامحسین میرزا صالح ویراسته و به سرمایه انتشارات مازیار در سال ۱۳۸۴ چاپ شده است. مذاکرات مجلس اول در همان ایام نیز در روزنامه مجلس منتشر می‌شد و پس از آن هم، از طرف مجلس، در مجموعه‌ای گردآوری شد. محققان تاریخ مشروطه از دهه‌های پیش گفته بودند: «شایسته است که چاپ تازه و کامل‌تری از صورت مذاکرات مجلس

۱. حسن تقی‌زاده. زندگی طوفانی. تهران، جاویدان، ۱۳۵۹. ص ۶۳.

۲. دانشجوی دکترای تاریخ حقوق عمومی در دانشگاه اکس مارسی فرانسه.

۳. مجلس اول مشروطه از جمله مجالس مؤسسی است که در بخشی از دوره‌ای که در حال تدوین قانون اساسی بوده، همزمان مقام مجلس مؤسس و مجلس شورای ملی را داشته‌اند. در تاریخ حقوق اساسی مجالس مؤسس همیشه این هر دو صلاحیت را با هم نداشته‌اند. مانند مجلس اول مؤسسان ۱۷۸۷ ایالات متحده آمریکا که تنها صلاحیت نوشتن قانون اساسی را داشت نه قانون عادی، برخلاف مجلس مؤسسان ۱۷۹۱-۱۷۸۹ فرانسه که در هر دو قلمرو قانون وضع کرد.

4. Histoire Constitutionnelle/Constitutional History.



مؤسس انتشار یابد. برخی اسناد مهم و متن طرح قوانینی که به مجلس داده شد اما تصویب آنها معجل مانده، باید به آن افزوده شود.<sup>۵</sup> همان‌گونه که خواهیم دید، کاستیهای مذاکرات اولین مجلس مؤسس، از دیدگاه تاریخ حقوق اساسی، بسیار بیشتر از آن است که پیش از این گفته شده. با همه این کمبودها، که در متن مذاکرات هست، سؤال این است که در این چاپ تازه ویراستار کدام اسناد را که در چاپ پیشین نبوده در چاپ جدید افزوده و تا چه میزان آن انتظار را بر آورده است؟ آیا میرزا صالح توانسته است پژوهشگران را با سندی کامل‌تر و متفاوت با نمونه سده پیش روبه‌رو کند؟

مذاکرات مجلس اول، نخستین سندی در تاریخ حقوق اساسی یا تاریخ مشروطه‌خواهی به معنای دقیق و حقوقی کلمه است؛ یعنی: تاریخ مشروط کردن و حد زدن بر قدرت «لاحد» یا تاریخ از نظرگاه تحول اندیشه مشروطه‌خواهی و تکامل یافتن سازوکارهای این سازواره. حقوق اساسی در ایران برای آنکه بتواند کارکرد مطلوبی داشته باشد ناگزیر است این سند را از زاویه شرایط طرح مسائل حقوق اساسی ایران، پیدایش، تحول مفاهیم و نهادهای آن بکاود. اینکه فریدون آدمیت گفته بود: «شگفت است که صورت مذاکرات که همیشه در دسترس عموم بوده هیچ‌گاه مورد استفاده درست و کامل نویسندگان قرار نگرفته یا مجال مطالعه و دقت در معانی آن را نداشته، یا به ارزش گفت و شنودها، که از نظر تاریخی مهم یا بسیار مهم است، کمتر توجه نموده‌اند.»<sup>۶</sup> معنایش، از دیدگاه تاریخ حقوق، این است که توضیح جان‌بسیاری از حوادث مجلس اول به مدد مفاهیم تاریخ حقوق اساسی ممکن خواهد شد و راز اینکه به «ارزش گفت و شنودها»ی مجلس اول و بسیاری از اسناد تاریخ مشروطه‌خواهی «که همیشه در دسترس عموم» هم بوده پی نبرده‌ایم این است که کلید فهم و توضیح این مسائل در دست تاریخ حقوق است، دیدگاهی که، از قضا، در نظام آموزش حقوق در ایران غایب است. درسی که امروز از آن به عنوان درس پایه‌ای حقوق<sup>۷</sup> تعبیر می‌شود، گذشته از استناد ندادن کتابهای حقوق اساسی به مذاکرات مجلس اول یا مجالس دیگر، در مواردی هم که به نحو پراکنده به متون تاریخی ارجاع داده‌اند، روشی در مواجهه با مواد تاریخ مشروطه‌خواهی ندارند. این مسئله می‌تواند اعتبار روش‌شناسی این رشته و رویکرد غیرتاریخی ما را تا به امروز و همچنین سطح آن را نشان دهد.

۵. فریدون آدمیت. ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، «مجلس اول و بحران آزادی». تهران، انتشارات روشنگران، بی‌تا. ج ۲، ص ۱۷. ۶. همان، ص ۱۷.





چگونگی تنظیم و گردآوری این متن نمونه‌ای از فقدان سنت ثبت و نگهداری اسناد نزد ماست. نزدیک به ۸۰۰ برگ برای بیست ماه<sup>۸</sup> کارزار، در مقایسه با مجلس اول فرانسه ۱۷۹۱-۱۷۸۹، ۲۹ دفتر و هر دفتر بیش از ۷۰۰-۸۰۰ برگ برای زمانی تقریباً یکسان. تدوین تاریخ مشروطه‌خواهی در ایران نیازمند سامان دادن به اسنادی از این دست است. در جست‌وجوی معنای برخی از مفاهیم در میان خطوط نانوخته و در پی شناخت کاستیهای منابع تحقیق، کمبودهای متن مذاکرات بیشتر هویداگشت. امیدوارم این تلاش کوچک بتواند در تکمیل شدن مذاکرات مجلس اول کارگر افتد و به کارگروهی که آن را باز ویرایش خواهند کرد بیاید.<sup>۹</sup>

### بی‌نظمی مجلس و اشتباهات تندنویسان

متن مذاکرات مجلس اول به چندین دلیل بسیار ناقص است. از جمله بی‌نظمیهای ابتدای تشکیل مجلس اول این بود که گاهی چندین نماینده همزمان با هم صحبت می‌کردند یا تماشاچیان غوغا می‌کردند و صداها در این همه‌گم می‌شد. این‌گونه بود که سید محمدتقی هراتی<sup>۱۰</sup> گفت: «وضع این مجلس خیلی بی‌ترتیب است... این مجلس که مجلس نیست، اینجا روضه هم نمی‌شود خواند.»<sup>۱۱</sup> از این رو تندنویسان نمی‌توانستند تمام سخنان و کلا را بنویسند. یا یکی از نمایندگان<sup>۱۲</sup> فریاد برآورد که: «ما مکرر گفتیم که تقصیر تندنویسان روزنامه است که درست مذاکرات را ضبط نمی‌کنند؛ ولی آنها هم تقصیر ندارند. با این ترتیب، البته کسی نمی‌تواند درست ضبط کند.»<sup>۱۳</sup> در جای دیگری

۸. مذاکرات مجلس اول از ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ آغاز شد و تا شنبه ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ ادامه یافت. در متن ویراسته میرزا صالح مذاکرات از شنبه غره رمضان ۱۳۲۴ شروع شده. درباره آخرین جلسه مجلس در برخی از رسائل مشروطیت تاریخ سه‌شنبه بیست و سوم جمادی‌الثانی آمده است. (رسائل مشروطیت، مکالمات مقیم و مسافر، ص ۴۳۱) درباره این نقص به نظر می‌رسد باید تلاش کرد تا نکاتی از آن جلسات که در برخی اسناد و خاطرات آمده در پاورقی با ذکر منابع آورده شود.

۹. متن مذاکرات را برای نوشتن پایان‌نامه مستر تاریخ حقوق، با عنوان «مفهوم قانون اساسی در مذاکرات مجلس مؤسس اول» خواندم. از آن رو که از همان آغاز دریافتم متنی که پیش رو دارم پر از اشکال است، کاستیها و اشتباهات را ثبت کردم و، بنابراین، خواندن آن چندماه طول کشید؛ و فرصتی بود تا درسهایی از تاریخ حقوق اساسی ایران از «مجمع بزرگ و انجمن سترگ... که روح روان این ملت» بود بیاموزم. (سید عبدالحسین شهشانه‌ای، جلسه شنبه ۱۹ شعبان ۱۳۲۵).  
۱۰. در متن «هروری» آمده است.

۱۱. مذاکرات مجلس اول، یکشنبه ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۴ ق.

۱۲. نامعلوم بودن نام نماینده به این دلیل است که در بخشی از دوران فعالیت مجلس اول مشروطه نام نمایندگان در روزنامه مجلس به دلیل حفظ امنیت ایشان نوشته نمی‌شد.

۱۳. مذاکرات مجلس اول، پنجشنبه ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵.



محمد یزدی وکیل التجار، نماینده رشت، ادامه داد که: «...تندنویسها خیلی مطالب از قلمشان می افتد و ضبط نمی کنند. مثل اینکه روز شنبه نطق بنده در خصوص سفارود ابدأ درج نشده...» و حسنعلی خان نصرالملک در تأیید سخن او در آمد که: «این مطلبی که وکیل التجار اظهار داشتند همان طور است.»<sup>۱۴</sup> در همان جلسه سید مهدی سقطفروش در فرصت دیگری آن ایراد را دوباره به یاد آورد که: «پریروز بنده نطقی کردم؛ جمعی که اسم خود را فدایی ملت گذاشته اند، ولی فدایی شخص هستند، می خواستند بنده را صدمه بزنند. با وجود این ترتیبات، آن نطق مخصوص در روزنامه نوشته نشده است.» بالاخره سید محمدتقی هراتی<sup>۱۵</sup>، یکی از منشیان مجلس، در مکتوب خود، که در مجلس خواند، به این نقص عمده مجلس اول چنین اشاره کرد: «... ثانیاً به واسطه آنکه وقایع نگاران جراید، خاصه جریده فریده مجلس، در کمال بی اعتنایی و بی ترتیبی نطق متکلمین و مذاکرات مجلس را در روزنامه به طور دلخواه تغییر داده و تحریف کرده به صوابدید خودشان مندرج می نمایند که ابدأ ناطق چنان نطقی نکرده و نخواهد کرد. این مطلب اسباب اقتضاح اغلب اعضای مجلس مقدس شده است... اگرچه واقعاً وقایع نگاران مجلس هم تقصیری ندارند. به واسطه بی ترتیبی اعضای مجلس از حیث نطق و تکلم...»<sup>۱۶</sup>

نکته ای که یکی از اعضای مجلس اول درباره روش تنقیح مذاکرات گفته است، و ما آن را در آغاز این نوشتار آورده ایم، قابل توجه است. و به روشنی بر نحوه تدوین و ثبت این سند، در مجلس اول، گواهی می دهد: «صنیع الدوله، رئیس مجلس، به من گفت: ...آقا این وکلا که... حرف می زنند تندنویسها نمی توانند دقیق بنویسند. آنهای دیگر شکایت می کنند. [صنیع الدوله] به من گفت گوش بدهید در حافظه تان بماند. این تندنویسها نوشته ها را بیاورند شما بگویید کجا اشتباه هست، بعد به چاپ بدهند. تندنویسها می آورند می خوانند. یک هفته مداومت کردم. بعد گفتم از کار باز می مانم... وکیل الرعایای همدانی را پیشنهاد کردم قبول شد.»<sup>۱۷</sup>

### مهم ترین کاستی مذاکرات مجلس اول

نامه ها، لوائح، اعلامیه ها و تلگرافهای بسیاری برای مجلس یا یکی از نمایندگان از طرف رهبران مشروطه، شاه، وزرا و انجمنها و... فرستاده می شد تا در مجلس خوانده

۱۴. مذاکرات مجلس اول، سه شنبه ۱۷ جمادی الاول ۱۳۲۵ق.

۱۵. در متن مذاکرات سید محمدتقی هروی آمده.

۱۷. حسن تقی زاده، همان، ص ۶۳.

۱۶. مذاکرات مجلس اول، سه شنبه ۵ جمادی الثانی ۱۳۲۵ق.

شود؛ اما برخی از این اسناد، بنابر سلیقه نویسندگان و دست‌اندرکاران تدوین مذاکرات، یا در متن وارد نشده یا خلاصه‌ای از آن آمده است و در برخی موارد هم متن کامل سند درج شده است. این اسناد، صرف‌نظر از عریضه‌هایی که مانع پرداختن مجلس به «امور کلی» می‌شد و می‌توانست جداگانه چاپ شود<sup>۱۸</sup>، به این دلیل که برای مجلس یا یکی از اعضای آن فرستاده شده و ایشان را مورد خطاب قرار داده و همچنین از زبان منشیان در صحن مجلس خوانده شده و، به علاوه، در موارد بسیاری بحثهایی در اطراف آنها در گرفته، به گونه‌ای که حتی در برخی از موارد صفحاتی از گفت‌وگوی نمایندگان به این نامه یا تلگرافها اختصاص یافته و البته روشن است که بدون دیدن متن آن اسناد نمی‌توان در جریان ماجرا قرار گرفت و به درستی سیر مذاکرات را دنبال کرد و به جوانب حادثه پی برد. بنابراین، این اسناد تاریخی هم، جزء لاینفک مذاکرات به شمار می‌آیند.

به عنوان مثال، آخوندخراسانی در «تبریک و تذکره به مجلس شورای ملی» نامه مهمی به مجلس نوشته است که در بسیاری از اسناد مشروطیت آمده است اما هیچ نشانی از آن در متن نیست<sup>۱۹</sup> نمونه دیگر از این دست، متن سؤال مجلس از علمای نجف و پاسخ ایشان است که در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ در بسیاری دیگر از منابع آمده است یا نامه دیگری از خراسانی<sup>۲۰</sup>، مکتوب صدارت<sup>۲۱</sup>، نظامنامه مجلس سنا، نامه معرفی وزرا به مجلس و مشروح‌های که به موجب آن امتیاز بانک ملی توشیح و ارسال شده<sup>۲۲</sup> مکتوب آخوندخراسانی و تعدادی دیگر از تلگرافهای مهم او، که در متن ویراسته میرزا صالح نیامده، در یکی از پژوهشهای اخیر گردآوری شده است.<sup>۲۳</sup> در این اثر اخیر منابع این اسناد مذاکرات دارالشورای ملی، روزنامه رسمی، روزنامه مجلس، جل‌المین کلکته، تاریخ بیداری ایرانیان، تاریخ مشروطه (احمد کسروی) و... معرفی شده، در این صورت میرزا صالح از روی چه منابعی این متن را ویراسته است؟ این دسته از اشکالات از جانب ویراستار



۱۸. از همین رو مجلس کمیسیون عریضی ترتیب داد که وظیفه‌اش این بود عریضی را که به مجلس می‌رسد بررسی کند و آن دسته از عریضی را که قابل مذاکره است به مجلس ارائه دهد و از سایر عریضی هم هفته‌ای یک مرتبه فهرستی ترتیب داده خلاصه آن را به مجلس عرضه دارد.

۱۹. ناظم‌الاسلام کرمانی. تاریخ بیداری ایرانیان. به اهتمام علی‌اکبر سعیدی‌سیرجانی. تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران با همکاری انتشارات آگاه و لوح ایران، ۱۳۵۷. ج ۲، صص ۹۰-۹۱. محسن کدیور این سند را به نقل از مذاکرات دارالشورای ملی، ۴ محرم ۱۳۲۵؛ روزنامه رسمی، ص ۸۲؛ روزنامه مجلس، س ۱، ش ۴۲، ۷ محرم ۱۳۲۵؛ روزنامه اتحمن تبریز، س ۱، ش ۳۸، ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۴، صص ۱-۲؛ و... آورده است.

۲۰. جلسه ۷ ذیحجه ۱۳۲۴. ۲۱. جلسه ۱۶ ذیحجه ۱۳۲۴. ۲۲. جلسه ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۴.

۲۳. سیاستنامه خراسانی، رک: صص ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۴، ۱۷۷. یکی از این نامه‌ها، نامه سیدجعفر شیرازی و شیخ حسین یزدی به علمای نجف است که در متن تنها پاسخ علما آورده شده است.

آن پذیرفتنی نیست، اشکالاتی که اعتبار و قابلیت استناد ویراست جدید این مجموعه را با تردید مواجه کرده است.

در ماههای پایانی سال ۱۳۲۴، در پی «عدم جریان کامل اصول مشروطیت»، قیامی در تبریز روی داد. مشیرالدوله (صدراعظم) وکلای تبریز را خواست که «باز اینها چه می‌خواهند؟ گفته شد می‌گویند از مشروطیت خبری نیست و هكذا. صدراعظم گفت: اعلیحضرت همایونی مجلس مرحمت فرموده‌اند و مشروطیت نداده‌اند و چنین چیزی ما قبول نداریم.» این جدال بر سر گستره مفهوم «حد یقینی» بر «مقام لاحد» (قانون اساسی) ادامه یافت تا در جلسه دوشنبه ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۴ «عریضه‌ای از طرف مجلس حضور... اعلیحضرت شهرباری عرض شد که استدعای عموم ملت، خاصه اهالی آذربایجان، از حضور مبارک این است»: «اگرچه عقلای مملکت می‌دانند که بعد از اعطای فرمان انعقاد مجلس شورای ملی دولت علیه ایران جزو دول مشروطه محسوب است و لیکن عوام هنوز این معنی را نفهمیده‌اند. لذا خواستاریم دستخط مبارک جهان مطاع صادر شود بر اینکه اساس دولت علیه بر مشروطیت است». این نامه بسیار مهم - که گویا صورت کاملش بیشتر از این باشد به همین صورت در متن مذاکرات درج شده - از زاویه مفهوم مشروطیت و قانون اساسی در مجلس مؤسس نظام مشروطه اهمیت بسزایی دارد. به هر حال، پاسخ شاه به این عریضه در متن نیست. پاسخی که در آن «اگرچه مشروطه را خواهی نخواهی قبول کرد» اما از روی ماهیت طفره زن استبداد به خیال آنکه قیدی بر مفهوم مشروطیت وارد کند «کلمه کنستی توسیون را بر آن افزود». ۲۴

در پایان جلسه سه شنبه ۳ رجب ۱۳۲۵، احتشام‌الاطباء گفت: «لایحه‌ای که نتیجه مجلس پربروز بود ارائه نشد.» رئیس: «بلی، باید آن لایحه خوانده شود که برویم آن انجمن [هیئت نمایندگان] که باید نامه را به شاه می‌دادند] را معین نمایم. لایحه‌ای که باید در حضور همایونی قرائت شود آقای حاج سید نصرالله قرائت کردند. عموم وکلاء تحسین گفته و تصویب کردند.» این لایحه نتیجه یک جلسه مجلس بوده است. ۲۵

جلسه پنجشنبه ۱۲ رجب ۱۳۲۵ «دستخطی از طرف... اعلیحضرت... در جواب لایحه‌ای که از طرف مجلس به صحابت شش نفر از وکلای عظام به حضور اقدس اعلی تقدیم شده بود به مجلس مقدس شرف وصول ارزانی داشت.» نه لایحه مجلس و نه دستخط شاه، هیچ یک در متن مذاکرات نیست.



۲۴. سید حسن تقی‌زاده، «لفظ مشروطه»، اطلاعات ماهانه، مرداد ۱۳۳۳، به نقل از مشروطه‌خواهی ایرانیان،

صص ۳۱-۳۲. ۲۵. جلسه سه شنبه ۳ رجب ۱۳۲۵.

در جلسه سه‌شنبه ۲۴ رجب ۱۳۲۵، پس از تبادل تلگراف مجلس و شاه «از بابت قضیه مرحوم اتابک» میرزا صادق‌خان مستشارالدوله از مذاکراتی که بیست نفر از وکلا با شاه داشته‌اند یادداشت برداشته بود که به اختصار - که از این مختصر هم چیزی در مذاکرات درج نشده - برای نمایندگان بازگفت «اما به واسطه مهم بودن آن مذاکرات قرار شد که آقای مستشارالدوله آن نطق خودشان را به مستوفی نگارش دهند و در روزنامه درج شود». در جلسه غره شعبان‌المعظم ۱۳۲۵، «صورت لایحه‌ای که بایست در حضور همایونی قرائت شود جناب مستشارالدوله نوشته و قرائت شد. سید عبدالله بهبهانی [گفت]: این لایحه... تعارف است. باید صریحاً بگویید اینها قابل نیستند، خودتان را گرفتار نکنید. این همه زحمت کشیدیم محض آن بود که حرف بی‌پرده زده شود، از روی بی‌ادبی هم نباشد.» در جلسه پنجشنبه ۱۷ شعبان ۱۳۲۵ «شرح عریضه‌ای که در خصوص انجمنها به حضور همایونی عرض شده و جواب دستخطی که صادر کرده بودند.» قرائت شد. هیچ‌یک از این سه نامه در متن نیست.

در مورد نامه‌هایی که میان شاه و مجلس رد و بدل شد به نظر می‌رسد آنچه دکتر فریدون آدمیت گفته است - که: «صورت مذاکرات... [که] سلسله نامه‌های مبادله شده میان مجلس و شاه در آن ثبت گشته مگر یک نامه مجلس و جواب شاه به آخرین اعتراض نامه مجلس که سه روز پیش از کودتای نظامی به مجلس فرستاده شد.<sup>۲۶</sup>» دقیق به نظر نمی‌رسد و تعداد نامه‌های درج نشده در متن مذاکرات، همان‌گونه که دیدیم، بیشتر از یکی است. اما آخرین نامه مجلس به شاه، که در ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ نوشته شد<sup>۲۷</sup> و نکات مهمی در بردارد، در یادداشتهای تاریخی مستشارالدوله<sup>۲۸</sup> آمده است در جلسه سه‌شنبه ۲۳ ذیحجه ۱۳۲۴ که «نظامنامه مجلس سنا قرائت شد و مسوده

۲۶. فریدون آدمیت، همان، ص ۱۷. با توجه به آنچه درباره نامه‌های آخوندخراسانی آوردیم احتمال دقیق نبودن کار ویراستار (میرزا صالح) را هم باید در نظر داشت.

۲۷. جلسه ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۶، این سخن آدمیت «آخرین اعتراضنامه مجلس که سه روز پیش از کودتای نظامی به مجلس فرستاده شد.» به نظر می‌رسد دقیق نباشد. چرا که می‌دانیم مجلس روز ۲۰ جمادی‌الاول هم جلسه داشت و برقرار بود.

۲۸. صادق صادق. یادداشتهای تاریخی، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق. به کوشش ایرج افشار. تهران، فردوسی، ۱۳۶۱. صص ۱۴۴-۱۴۸. در نسخه ایرج افشار تاریخ نوشته شدن نامه به اشتباه ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۶ هجری قمری آمده است. این نامه را مستشارالدوله با مقدمه‌ای بر آن در مجله آینده، سال سوم، ۱۳۲۳ ه. ش چاپ کرد. در مجموعه‌ای که اخیراً ناصر تکمیل همایون با عنوان مشروطه‌خواهی ایرانیان گردآوری و منتشر کرده است مقاله مستشارالدوله دوباره چاپ شده. آنجا هم اشتباه در تاریخ نوشته شدن نامه تکرار شده است.





آن را به آقایان دادند که ملاحظه نموده ایرادی دارند بکنند<sup>۲۹</sup>، متن نظامنامه مجلس سنا نیامده است.

لایحه‌ای که شیخ ابراهیم زنجانی در پایان جلسه ۱۵ محرم ۱۳۲۵ خواند. «یادداشت قرارداد بانک ملی از بابت استقراض چهار کروار» که در جلسه ۱۷ محرم ۱۳۲۵ قرائت شد. «آن فصل قانون که قرار بود در باب رشوه نوشته شود جناب تقی‌زاده صورتی نوشتند [که] در انجمن مذاکره شد... حالا قرائت شود.<sup>۳۰</sup>»

تلگراف دیگری که «سه روز قبل... از حضرت آیت‌الله آخوندملا محمدکاظم خراسانی» در وجوب حمایت و مساعدت و اعانت تمام مسلمین در امر مجلس رسید. «لایحه سؤالی که از طرف جناب حاجی شیخ فضل‌الله در معنی مشروطیت و حدود وظایف مجلس مقدس با جوابی که از طرف مجلس مقدس در این [بار] داده شده بود<sup>۳۱</sup>» که در پایان جلسه سه‌شنبه غره شعبان ۱۳۲۵ خوانده شد، در آغاز جلسه سه‌شنبه ۷ رمضان نظام‌العلماء<sup>۳۲</sup> گفت: «دکتر ولی‌الله‌خان [نصر] که یکی از وکلاء است و مدتی است به جهت کسالت حاضر نشدند، لایحه‌ای نوشته‌اند که اگر صلاح دانستند قرائت شود.» در جلسه ۲ شوال ۱۳۲۵ سید حسن تقی‌زاده گفت: «من یک حسابی کرده‌ام و در همین چند روزه لایحه‌ای هم در این خصوص تقدیم مجلس خواهم نمود که کار مجلس در این دو‌یست روز چه بوده است.» بنا بر برخی شواهد، از جمله زمان نوشته شدن این لایحه، به نظر می‌رسد این لایحه همان است که ایرج افشار در اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده آورده است.<sup>۳۳</sup> هیچ یک از این لوایح در متن نیامده است.

جلسه سه‌شنبه ۵ شوال ۱۳۲۵ «...قراردادی که... یک نفر مستخدم از برای بانک و مالیه از فرانسه خواسته» شد «...صورت کتبرات قرائت شد.» جلسه شنبه ۱۱ رمضان ۱۳۲۵ «تشکرنامه طایفه زرتشتیان... از ماده راجعه به تساوی حقوق.»

این موارد مهم‌ترین نقص مذاکرات مجلس اول است، کاستی عمده‌ای که دکتر فریدون آدمیت نیز به درستی در دهه‌های پیش بر آن انگشت نهاده بود. این نقص



۲۹. جلسه شنبه ۱۷ محرم ۱۳۲۵.

۳۰. به این لایحه ملا عبدالله مازندرانی هم پاسخ داد که در جلسه ۷ رجب ۱۳۲۵ در مجلس خوانده شد.

۳۱. در میان فهرست نمایندگان نظام‌العلماء نداریم. شاید مقصود ناظم‌العلماء ملایری بوده است که به نادرست از سوی تندنویسان نظام‌العلماء نوشته شده. در «فهرست اعلام» در برابر نام نظام‌العلماء شماره دو صفحه نوشته شده که اولاً کامل نیست چرا که این نام در صفحه ۴۴۶ هم آمده؛ همچنین نظام‌العلماء، ص ۲۸۶، یکی از معتمدین زنجان است که شیخ ابراهیم زنجانی به تلگرافخانه خواسته بود. در فهرست اشخاص تاریخ‌بیداری ایرانیان، نظام‌العلماء آمده ولی در صفحه مربوطه صدرالعلماء هست و نه نظام‌العلماء.

۳۳. ایرج افشار. اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده. تهران، جاویدان، ۱۳۵۹. ص ۷۳.

تمامیت و اهمیت این سند تاریخی را مخدوش کرده است. باید گفت که بیشتر خلاصه ناقصی از مضمون تلگرافها و نامه‌ها نقل شده و شایسته است متن کامل آنها، در صورتی که در دسترس باشند، در متن آورده شود. تلاش خواهم کرد در آینده فهرستی از اسنادی را که به مذاکرات مجلس اول ربط دارند منتشر کنم. بنابراین، برخلاف آنچه که ویراستار محترم گفته‌اند: «این کتاب ویراسته متن کامل مذاکرات نخستین مجلس نظام مشروطه در ایران است»، چنین نیست و این سخن خالی از دقت تاریخی است؛ چرا که گذشته از کاستیهایی که گفته خواهد شد، اساساً همه مذاکرات مجلس اول ضبط نشده است. «متمم قانون اساسی در کمیسیون هفت نفری تدوین شد که مذاکرات آن را ثبت نکرده‌اند»<sup>۳۴</sup> همچنین مذاکرات قوانین دیگر. در ادامه برخی از کاستیهای مذاکرات را که آدمیت دهه‌های پیش یادآوری کرده بود - و ویراستار هیچ اشاره‌ای به آنها نکرده است - با هم بازخوانی می‌کنیم:

«مذاکرات مجلس به صورتی که انتشار یافته کم و کسر دارد، گرچه این کاستیها را تا حد زیادی منابع دیگر جبران می‌کنند»<sup>۳۵</sup> (که میرزا صالح هیچ یک از آنها را وارد نکرده و اشاره‌ای هم به آنها ننموده است). توضیح آنکه: متن انتشار یافته صورت کامل گفت و شنود مجلس نیست. از صورت مذاکرات کمیسیونهای مجلس چیز زیادی به دست ما نرسیده، از آنکه اسناد رسمی مجلس در حادثه کودتا و بمباران مجلس از میان رفته. اما از کار سه کمیسیون متمم قانون اساسی، تدوین قانون عدلیه و اصول محاکمات و مالیه به مأخذ مذاکرات مجلس و دیگر مدارک به درجات آگاهی صحیح داریم.<sup>۳۶</sup> در همین جا این توضیح را از دیدگاه تاریخ حقوق اساسی می‌آوریم که برای آدمیت، که دیدگاهی عام به مشروطیت داشت، «به درجات آگاهی صحیح» «از کار... کمیسیون متمم قانون اساسی» وجود دارد. این درجه از «آگاهی صحیح» به هیچ‌وجه برای پژوهشگران تاریخ حقوق اساسی که در مفاهیم آن دوره جست و جو می‌کنند راضی‌کننده نیست و از این رو نقص بزرگی در مذاکرات مجلس اول هست.

به سخن آدمیت باز می‌گردم: «گفت و گوی مجلس در چند قضیه سیاسی مناقشه‌انگیز به عمد از صورت مذاکرات حذف گردیده. در این مورد خاطرات رئیس وقت مجلس و

۳۴. فریدون آدمیت. ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران. تهران، انتشارات پیام، ۲۵۲۵. ج ۱، ص ۴۰۸.

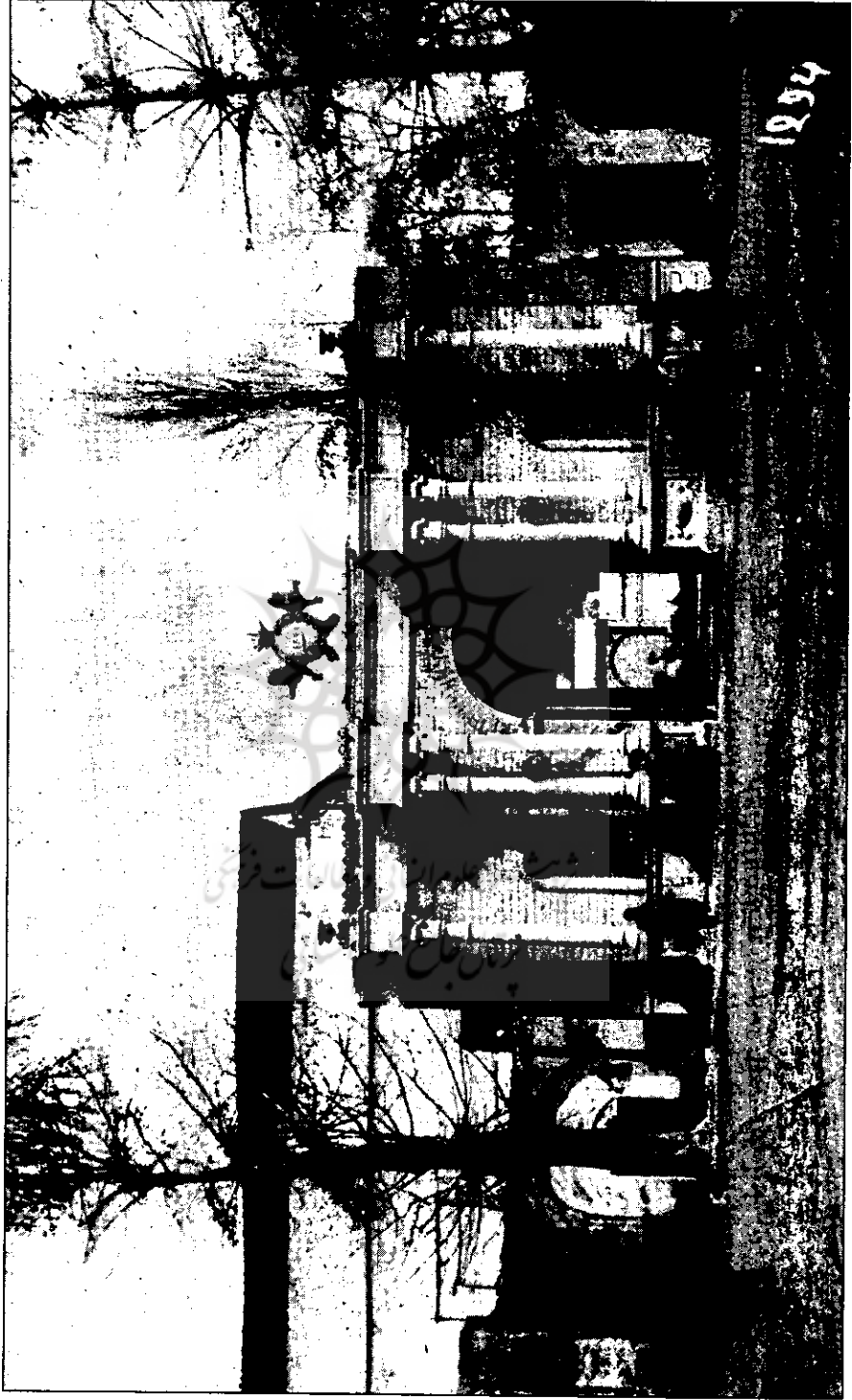
۳۵. آدمیت در جای دیگری هم این سخن را تکرار کرده است که: ادعای اینکه منابع کافی درباره مشروطه در دست نیست سخن بیهوده‌ای است. همان‌گونه که می‌بینیم از دیدگاه تاریخ مشروطه‌خواهی و برای مثال اینکه مذاکرات «کمیسیون هفت نفری تدوین متمم قانون اساسی» ثبت نشده این سخن آدمیت دقیق نیست و رخنه در آن افتاده است. ۳۶. فریدون آدمیت، مجلس اول و بحران آزادی، همان، ص ۱۶.

گزارشهای مأموران خارجی که در جلسه‌ها حضور داشتند اخبار درست به دست می‌دهند. دیگر آنکه صورت مذاکرات در هفته بحران سیاسی مقارن کودتای اول (ذی‌قعدة ۱۳۲۵) منتشر نشده. اما پس از آن حادثه، رئیس مجلس هشیارانه زنده وقایع و تصمیمهای عمده مجلس را برای «ثبت تاریخ» اعلام کرد که در صورت مذاکرات آمده... مباحثه مجلس در دو سه جلسه آخر حیات سیاسی آن هم ناقص به چاپ رسیده و بی‌سر و ته است. برخی نکته‌های مهم آن مباحثات در گزارشهای رسمی خارجی ثبت گردیده.<sup>۳۷</sup>

همچنین مذاکرات قوانینی که مجلس اول گذراند مانند نظامنامه انتخابات، قانون مطبوعات و... ثبت نشده است. متأسفانه از دید تندنویسان چالشهایی که بر سر مفاهیم حقوقی در مجلس اول جریان داشت به اندازه دیگر مطالب اهمیت نداشته. می‌توان گفت چیزی از جدالی که بر سر گزینش مفاهیم حقوقی بوده است را ضبط نکرده‌اند. و بحثهای دقیق و فنی اندیشه حقوقی برایشان در خور ثبت نبوده است. چنین است که هر کجا که بحث از قرائت قانون اساسی یا قانون دیگری می‌شود با این دو جمله کوتاه: «در این موقع شروع به قرائت نظامنامه اساسی شد. پس از قرائت چند ماده، مذاکرات لازمه به میان آمد<sup>۳۸</sup>». از کنار بحث، بی‌هیچ اشاره‌ای، می‌گذرند. بنابراین، در متن مذاکرات

۳۷. همان، ص ۱۶.

۳۸. جلسه دوشنبه ۸ شعبان ۱۳۲۵. یا در جلسه پنج‌شنبه ۱۷ شعبان از قرائت قانون اساسی تنها این جملات آمده است: «شروع به قرائت قانون اساسی شد. بعد از قرائت قانون... شرح عریضه‌ای که در خصوص انجمنها به حضور همایونی عرض شده و جواب دستخطی که صادر کرده بودند، مقرر فرمودند، قرائت شد.» یا در جلسه شنبه ۱۹ شعبان: «شروع به قرائت قانون اساسی شد. پس از قرائت چند ماده، لایحه‌ای از طرف انجمن سردارها... قرائت کردند.» در جلسه سه‌شنبه ۲۲ شعبان گفته شد: «بدواً مذاکره در این شد که به واسطه اهمیت قانون اساسی باید در دفعه سوم هم قرائت شود و هر کس ایرادی دارد اظهار نماید. چه بسا مطالبی که در دفعه سوم به خواطر خطور می‌کند. البته باید مذاکره شود، اگر مخالف شرع نباشد قبول شود والا ترک شود. قرار به همین شد و شروع به قرائت قانون اساسی شد. پس از قرائت چند ماده، جناب رئیس تشریف آورده فرمودند: امروز کارهای خیلی لازم داریم. انجمن امرا می‌خواهند به مجلس بیایند و همگی در مجلس علنی قسم یاد نموده که با این اساس کمال مساعدت را داشته باشند.» در جلسه پنجشنبه ۲۴ شعبان: «شروع به قرائت قانون اساسی شد. در این موقع حضرت والا شاهزاده ظل‌السلطان به مجلس مقدس ورود نموده... اعضای محترم اظهار امتنان نموده، حضرت والا پس از یک ربع ساعت مجدداً تبریک گفته برخاستند. ماده‌ای که مطرح مذاکره بود به اتمام نرسیده، مجلس ختم شد. عصر امروز سه به غروب مانده مجلس منعقد شد. در همان ماده که صبح مذاکره داشتند، او را به عبارتی کافی و جامع نوشته، قرائت شده از مجلس گذشت. چند ماده دیگر از قانون اساسی قرائت شد و تصحیح شد.» همچنین دربارهٔ قانون مطبوعات، که در جلسه سه‌شنبه ۷ و ۹ رمضان ۱۳۲۵ قرائت شد، این جمله بدون تغییر در پایان هر دو جلسه آمده است: «شروع به قرائت قانون انطباعات شد. چند ماده از آن قرائت و تصحیح شد. مجلس ختم شد.»



سردرب قدیم مجلس شورای ملی [۱۳۱۲-۵۱۲] ا.ع



مجلس اول از جدالی که بر سر گزینش مفاهیم در آن «مجمع بزرگ و انجمن سترگ» و «کنگره عدالت مملکت<sup>۳۹</sup>» و «بالاترین محکمه عدل» درباره قانون اساسی مشروطه (نظامنامه و متمم) جریان داشته چیزی نیامده است. جملات و مفاهیمی که در نظامنامه و متمم قانون اساسی در کار کرده‌اند و برخی فرازهای مذاکرات گواه این جدال بر سر مفاهیم است.<sup>۴۰</sup>

از جلسه ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵، نخستین جشن سالگرد افتتاح مجلس شورای ملی، چیزی در متن نیست. در آن جلسه، که «از هیئت دولت و سفرای خارجی و علمای اعلام و وجوه مردم و کسانی که در راه تهیه آزادی بذل مال و تحمل زحمت کرده بودند پذیرایی به عمل آمد... محمدعلی شاه هم برای افتتاح جشن... دعوت شده بود... دستخطی فرستاد.» این دستخط شاه در متن نیست. متن این دستخط از جمله در مقاله «نخستین جشن افتتاح مجلس شورای ملی»، به قلم عبدالحسین نوایی، چاپ شده است.<sup>۴۱</sup>

از جلسه پنجشنبه ۲۷ صفرالمظفر ۱۳۲۵ تا جلسه پنجشنبه ۲۳ ربیع الاول نام نمایندگان - از بیم خطراتی که ایشان را در بیرون مجلس تهدید می‌کرد - جز طباطبایی و بهبهانی و تعدادی دیگر، در متن مذاکرات نیامده است. این نقص تا اندازه زیادی به کمک اسناد دیگر مانند روزنامه ترقی که «خلاصه مذاکرات مجلس را در مدت آن چهار هفته... با ذکر نام و کلا منتشر نموده و ابهامی ندارد.»<sup>۴۲</sup> و گزارش اخبار مجلس که نماینده سفارت انگلیس نوشته قابل رفع است. با وجود اشارات صریحی که پیش از این به نواقص مذاکرات شده، به نظر می‌رسد ذهن ویراستار نسبت به کاری که در پیش داشته روشن نبوده است و نمی‌دانسته متن چه نواقصی دارد که باید رفع شود و الأ رجوع او به این اسناد نشدنی و دشوار نبوده است.

پس از حوادث میدان توپخانه، که شاه در پی هدم اساس مجلس بود، و شکست خوردن نقشه‌های مخالفان مشروطیت، شاه از در سازش با مجلس در آمد و بدین منظور «روز دوشنبه [۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۵] ۱۶ دسامبر عضدالملک، رئیس ایلی قاجار، را به

۱۳۲



۳۹. این وصف از آن میرزا یحیی امام جمعه خویی، نماینده آذربایجان در مجلس اول، است. او در چندین مقام آن مجلس بنیادگذار را «کنگره عدالت» خوانده است. جلسه یکشنبه ۲۷ شعبان ۱۳۲۵ و همچنین در جلسه سه‌شنبه ۲۸ رمضان ۱۳۲۵ گفت: «من می‌گویم این مجلس، کنگره عدالت این مملکت است.»

۴۰. رک: «درآمدی بر رویکرد غیرتاریخی به حقوق اساسی در ایران»، مجلس و پژوهش، س ۱۴، ش ۵۶.

۴۱. عبدالحسین نوایی. نخستین جشن افتتاح مجلس شورای ملی. به نقل از: ناصر تکمیل‌هایون. مشروطه‌خواهی ایرانیان (مجموعه مقالات). تهران، مرکز بازشناسی ایران و اسلام، ۱۳۸۳. صص ۱۹۰ و ۳۵۸.

۴۲. فریدون آدمیت، مجلس اول و بحران آزادی، همان، ص ۱۶.

مجلس فرستاد تا از آنان بخواهد موقتاً انحلال یافته و اجازه دهند شاه نظم را اعاده کند.... هنگامی که وی سرگرم برشمردن تقاضاهای شاه بود، احتشام السلطنه شیردل سخن او را قطع کرده گفت: نکته مورد بحث این است: ما مجبور نیستیم این یا آن شیوه عمل را مورد بحث قرار دهیم. آنچه باید بررسییم این است که وظیفه ما در برابر شخصی که شدیدترین سوگندها را به قرآن مجید یاد کرده و آن را نقض نموده چیست؟<sup>۴۳</sup> اساساً از جلسات مجلس پس از ۸ ذیقعدہ تا ۱۵ ذیقعدہ ۱۳۲۵ هیچ نکته‌ای در متن مذاکرات نیامده است.

### حذف برخی از سخنان

برخی از عبارات و جملات نمایندگان در مجلس، به عمد یا به سهو، از سوی تندنویسان و دست‌اندرکاران ضبط مذاکرات، حذف شده‌اند ولی بخش بسیار کوتاهی از آنها در اسناد دیگر آمده‌اند. از این دست می‌توان به گزارشی که نماینده انگلیس از جلسه ۲۲ صفر ۱۳۲۵ (۶ آوریل) نوشته اشاره کرد. پیش از آمدن میرزا علی اصغرخان اتابک، سید حسن تقی‌زاده در پایان سخنانش جمله‌ای گفته است که در متن مذاکرات حذف شده، او گفته بود: «امین‌السلطان بزرگ‌ترین خائنین است و لقب شایسته او خائن‌السلطان است و باید محاکمه شود.<sup>۴۴</sup>» نمونه دیگر مربوط به جلسه ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ است، «در گزارش وزیر مختار انگلیس می‌خوانیم: مخبرالسلطنه وزیر معارف گفت: وزیران پیمان کتبی بستند که با مجلس همکاری نمایند و به کنستی توسیون وفادار باشند. و تقاضا کرد که گذشته فراموش شود و همگی برای مقصد مشترک همکاری کنند.<sup>۴۵</sup>» این جملات را، که در منابع دیگر آمده، ویراستار محترم ندیده‌اند و لازم است در چاپهای بعدی، با ذکر منبع، درج شوند.

نمونه‌های دیگری هستند که شاید بتوانند از جهاتی به تدریج ابهامها را کم کنند و تا حدی روشنگر هم باشند از این دست می‌توان به نامه خصوصی ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ مستشارالدوله صادق به ثقة‌الاسلام اشاره کرد؛ می‌نویسد: «سیدین حرفهای نامعقولی زده‌اند که چشم بد دور<sup>۴۶</sup>» روشن نیست مستشارالدوله اغراق کرده یا در مذاکرات «حرفهای سیدین» نوشته نشده است.

۴۳. ادوارد براون. انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه مهری قزوینی. تهران، کویر، ۱۳۷۶. صص ۱۶۳-۱۶۴.

۴۴. همان، ص ۵۶. در گزارش اخبار مجلس با تصریح به نام سخنران، لفظ «خائن‌السلطان» به حروف لاتین ثبت شده است.

۴۵. همان، ص ۵۹.

۴۶. همان، ص ۱۰۵. درباره اصل ماجرا به مذاکرات جلسات ۲۱ و ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ نگاه کنید.





## اولین جلسات مجلس

متن ویراسته میرزا صالح از شنبه غره رمضان آغاز می‌شود. حال آنکه می‌دانیم که اولین جلسه مجلس یکشنبه ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ تشکیل شده است که، پس از پایان خطابه شاه، «وکلاء به مذاکره در باب نظامنامه داخلی پرداختند و جلسه بعد به روز دوشنبه ۱۹ شعبان موکول شد.<sup>۴۷</sup>» درباره جلسات آغازین مجلس، ویراستار محترم اسناد و نکاتی را درباره جلسات نخست مجلس در پایان کتاب آورده که آمدن آنها در آغاز کتاب منطقی‌تر است. این‌طور خواننده بهتر در جریان وقوع حوادث قرار می‌گیرد و فهم مذاکرات نیز آسان‌تر می‌شود و نظم منطقی‌تری می‌یابد. به نظر می‌رسد بهتر است با یک نظم تاریخی وارد مذاکرات شد.

۱. دستخط مشروطیت (یا همان غلط رایج «فرمان مشروطیت»<sup>۴۸</sup>) ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هـ. ق. ۲. دستخط تکمیلی و دستخطی که در ۱۸ جمادی‌الثانی صادر شد «ولی محض اینکه مطابق باشد با روز تولد شاهنشاه تاریخ آن را در چهاردهم نوشتند.<sup>۴۹</sup>»  
 ۳. بازگشت بست‌نشینان و جلسه شنبه ۲۷ جمادی‌الثانی در عمارت مدرسه عالی نظام، که موقتاً برای انعقاد مجلس شورای ملی معین گردیده بود، مجلس شورای ملی افتتاح شد. خطابه مشیرالدوله صدراعظم و ملک‌المستکلمین. نظامنامه اساسی و نظامنامه انتخابات (۱۹ رجب ۱۳۲۴) در همین جلسات (۲۷ جمادی‌الثانی تا ۱۸ شعبان) و پیش آغاز اجلاس مجلس در بهارستان تدوین شد. ۴. تدوین نظامنامه انتخابات و توضیحاتی از این رو که در نظامنامه پیش‌بینی شد: مجلس به صرف حضور وکلای تهران تشکیل خواهد شد و .... ۵. مخالفت‌های شاهزادگان و نطق ۲۸ شعبان شاه خطاب به آنان (که در متن آمده). ۶. خطاب شاه به صدراعظم و اعلام وی درباره تسریع در انتخابات. ۷. دعوت برای افتتاح مجلس در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴، باید یادآوری کرد که خطابه شاه در جشن افتتاح مجلس<sup>۵۰</sup> نیز در متن نیست و شایسته است افزوده شود.

## مقدمه و، خاصه، عنوان فرعی

اما از نظر روش ویرایش یک سند تاریخی، ایراد دیگری هم به نظر می‌رسد که از آن نمی‌توان چشم پوشید. و آن، مقدمه و به ویژه عنوان فرعی (توسعه سیاسی ایران در

۴۷. مذاکرات مجلس اول (۱۳۲۴-۱۳۲۶)، ویراسته غلامحسین میرزا صالح. تهران، مازیار، ۱۳۸۴. ص ۷۶۵.

۴۸. نگاه کنید به: «درآمدی بر رویکرد غیرتاریخی به حقوق اساسی در ایران»، مجلس و پژوهش، س ۱۴، ش ۵۶.

۴۹. ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ص ۵۶۴.

۵۰. «منت خدای را که آنچه سالها در نظر داشتیم امروز به عون‌الله تعالی از قوه به عمل آمد.....»



ورطه سیاست بین‌الملل) است که ویراستار بر مذاکرات مجلس اول به ناروا تحمیل کرده است. به نظر می‌رسد اساساً فکر افزودن هرگونه عنوان فرعی بر چنین سند تاریخی‌ای - یعنی متن مذاکرات مجلس اول مؤسس و قانونگذار - عملی غیرتاریخی و مراعات نکردن روش پژوهش تاریخی است. علاوه بر این، هنگامی که می‌خواهیم برای یک اثر، و نه سند تاریخی، عنوان فرعی برگزینیم، این عنوان می‌بایست ویژگی‌هایی داشته باشد. از جمله اینکه معمولاً عناوین جانبی به نوعی، بیان موجزی از جریان بحث اصلی کتاب هستند، عنوانی که جان و لب کلام را نمایندگی می‌کند و حتی می‌توان گفت از دیدگاهی کلید ورود به کتاب‌اند و خواننده را در ورود و خروج به آن یاری می‌دهند و مانع از سرگردانی می‌شوند. به چنین عنوانی تنها با غور در متن و غواصی کردن در اعماق مسئله می‌توان دست یافت. از این رو عنوان فرعی «توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین‌الملل» به هیچ‌وجه از این اوصاف برخوردار نیست. میرزا صالح و ناشر کتاب توجه ندارند که ویراستن مذاکرات (که این کار را هم نکرده است) به ایشان حق نمی‌دهد تا هر عنوانی، و به ویژه، چنین عنوان نامربوطی را بر یک میراث ملی تحمیل کند. عنوان فرعی او مانند این است که جمله‌ای از خود بر آن مذاکرات افزوده باشد. از این رو، او به تاریخ تجاوز کرده است.

مطلبی در پشت جلد آورده شده، که در آن توسعه سیاسی را مقدم بر توسعه اقتصادی دانسته و این نظر را به مذاکرات مجلس اول منتسب کرده؛ این کار نیز، گذشته از درستی یا نادرستی‌اش، آشکارا، در مورد روش تدوین اسناد تاریخی، صدمه زدن به بیطرفی آن است. جای چنین نوشته‌هایی در پشت و روی جلد این اسناد نیست.

### فقدان نمایه مفاهیم

ضرورت تکمیل کردن این سند، از راه نمایه‌های تخصصی آن است که نباید پژوهشگر برای مطالعه آن مجبور باشد همه آن را بخواند. چنین متنی را باید در درجه اول از راه نمایه به کار گرفت. وگرنه ورود و خروج به آن دشوار خواهد بود و به درازا می‌کشد. در همین جا برخی از مفاهیمی که در مجلس اول آمده، که از دیدگاه پیدایش مفاهیم و قبض و بسطی که در محتوایشان وارد شده، اهمیت دارند، می‌آورم:

دارالشورای ملی بالاترین محکمه عدل،<sup>۵۱</sup> معنی مجلس، معنی مشروطگی، مجلس

۵۱. «دارالشورای ملی بالاترین محکمه عدل است هیچ‌کس نمی‌تواند حکم او را رد کند و برخلاف آن رفتار نماید». میرزا صادق‌خان مستشارالدوله، جلسه یکشنبه ۱۳ شعبان ۱۳۲۵.



کنگره عدالت، ملت، قانون شرع، همدستی و همراهی (قوا)، حق نظارت، اعتبارنامه، سیاست عرفی، سیاست مدنی، سیاست ملکی، مصلحت عمومی (و دیگر مشتقات آن)، ضعیفه و محترمه (در خطاب کردن زنان)، قوانین شرع، قوانین موضوعه، بودجه سلطنت، صرف جیب، جمع و خرج مملکت، کمیسیون مالیه، تعدیل، ممیزی، تفاوت عمل، صورت جزء، پیش قسط و (دیگر اصطلاحات مالیه) سلطنت مستقله، حکم عرفی، حکم شرعی، جعل قوانین، موازین شرع، تطبیق با قوانین شرع، قواعد اجرائیه و عرفیه، حفظ نظام، حفظ بیضه اسلام، حقوق عمومی، قانون اساسی، نظامنامه اساسی، اساس دولت، مخالف قانون اساسی، موافق قانون اساسی، نمایندگی ملی<sup>۵۲</sup> (و نه محلی)، مسئولیت وزراء، حقوق شخصی و حقوق نوعی، جمهوری، تعیین حدود، شأن و احترام مجلس، کمیسیون تنقیح، وکلایی که سر ساعت مقرر حاضر نمی شوند، ملاحظه و توسط، حقوق بشر، آزادی مذهب، آزادی روزنامه، امنیت جان و مال، حقوق مردم، حق فوق العاده (به معنی نابرابری)، احکام قانونی نباید استثنا داشته باشد<sup>۵۳</sup>، دماغ شخص (خودسری)، آزادی اجتماعات، تحصن، عوارضات شهری، تنظیمات، زکوة، عشر، کارخانه آدم سازی (دانشگاه)، راه آهن، بازار، اصناف، سرباز ملی، قشون ملی، جایگاه کیان و پیشدادیان، میرزا تقی خان امیرکبیر، شرط، شروط، نقض عهد، ترقی مملکت و....

بنابراین، بهترین راه جاری کردن مذاکرات در نوشته های پژوهشگران فراهم کردن نمایه های مفاهیم، نامها، جاها، احادیث و آیات قرآن، قواعد فقهی و امثال و حکم و...

شیراز، مکتب انوار

۵۲. سعدالدوله (ابوالمله) در یکی از جلسات گفت: «من آن میرزا جوادخان سعدالدوله نیستم، من وکیل از جانب سی کرور نفوسم». پنجشنبه ۹ ذیحجه ۱۳۲۴. از این دسته جملات که نشانه هنده ظهور مفهوم نمایندگی ملی هستند در جای جای مذاکرات آمده است. میرزا یحیی امام جمعه خویی در جلسه سه شنبه ۴ ذیقعده ۱۳۲۵ گفت: «از وکلا می پرسم که ما خود را وکیل عموم ملت و مسئول خدا می دانیم یا نمی دانیم، یا اینکه فقط هر کدام خود را وکیل شهر خودمان می دانیم؟ اگر خود را وکیل تمام مملکت می دانیم: امروز چهل روز بلکه دو ماه است که شیراز یک قطعه از خاک این مملکت است، حاکم ندارد و هر چند روز یک دفعه هیجانی نموده باز ساکت می شویم. آخر شما وکیل تمام مملکت هستید!» شیخ عبدالکریم (نماینده یزد) در جلسه سه شنبه ۱۴ جمادی الاول ۱۳۲۴ گفت: «پاره ای از عارضین عارف به تکالیف و وظایف وکیل نیستند و نمی دانند که وظیفه وکیل رعایت حقوق تمام مملکت است که می گویند چرا با ما همراهی نمی کنید... مرا به تلگرافخانه انگلیس خواستند و گفتند در یزد آشوب است. من تلگراف کردم ان شاء الله ریشه فساد کننده خواهد شد و مراد قانون بود که از وضع آن، ریشه فساد کننده خواهد شد.» تقی زاده در جلسه شنبه ۱۴ رجب ۱۳۲۵ این مفهوم را این گونه آورده است: «مدتها در اینجا مذاکره شد که اگر یک نفر از طبقات معین شود، به ملاحظه انتساب آن به طبقه، اسباب رقابت طبقات دیگر می شود و حال آنکه وکیل، وکیل همه است، اختصاصی نیست.»

۵۳. میرزا طاهر، جلسه ۱۷ محرم و ثواب الدوله ۱۱ صفر ۱۳۲۵ و....

است که از دشواریهای ارجاع دادن به این «سند بی‌بدیل» بکاهد. این مهم‌ترین کاستی از دیدگاه پژوهش در مذاکرات مجلس اول است. شاید فکر آوردن متن مذاکرات، بر روی لوح فشرده نیز برای سهولت در تحقیق کارآمد تر باشد.

## نمایه نامها

در ذیل مدخل «ح» دو نام «حسین، حاج آقا میرزا» و «حسین، حاجی میرزا» آورده شده؛ جالب است که بدانیم هر دوی این نامها به کسی جز محمدحسین نائینی بازنمی‌گردد. در مدخل «ن» نامی از نائینی نیست. به علاوه همه، صفحاتی که نام نائینی در آنها آمده در فهرست ثبت نشده؛ مانند ص ۳۴۲. ویراستار مقابل نام «صراف، سید محمد» تنها شماره سه صفحه را آورده است و در جلوی نام «محمد، حاجی سید» شماره ۲۰ صفحه را درج کرده است، بدون آنکه روشن کند اولاً این فرد دقیقاً کیست و دوم اینکه اگر مدعی است که او فردی غیر از «حاج سید محمد صراف فدایی» است چگونه این مسئله را تمیز داده است؟ می‌دانیم که سید محمد صراف فدایی از کوشندگان نمایندگان مجلس اول بوده است.

در جلسه پنجشنبه ۶ صفر ۱۳۲۵: «دو نفر از وکلای محترم آذربایجان ورود به مجلس کرده بودند. آقامیرزا فضلعلی آقا ایشان را معرفی کردند به این‌طور: جناب آقای میرزا یحیی امام جمعه خوبی از طبقه جلیله علما... و آقا حاجی محمد آقا حریری از تجار...» در نمایه، صص ۷۵ و ۱۲۶ هم در برابر نام میرزا یحیی امام جمعه خوبی آمده است. حال آنکه «آقای امام جمعه» ص ۷۵ و «جناب حاجی میرزا یحیی» در ص ۱۲۶ که اختلافی میان او و آ شیخ علی زرنندی در مدرسه سادات بوده، کسانی غیر از نماینده آذربایجان هستند. ۵۴

در ذیل مدخل «محمدباقر، آقاسید» که مقصود سید محمدباقر سادات اخوی است ص ۳۰۶ هم آورده شده حال آنکه آقا سید محمدباقر آن صفحه، سید محمدباقر جمارانی است.

همچنین برای «سید محمدتقی تنکابنی»، که در ص ۴۰۰ نامش به نادرست ذیل

۵۴. صادق صادق، همان، صص ۲۴-۲۵: «از دوازده نفر نماینده آذربایجان... دسته اول هفت نفری عبارت از حاج میرزا فضلعلی، هدایت‌الله میرزا، احسن‌الدوله، حاج میرزا ابراهیم، حاج میرزا آقا، شرف‌الدوله، و نگارنده به تاریخ ۲۴ ذیحجه ۱۳۲۴ هجری قمری از قفقاز عازم طهران شدیم. دسته دوم امام جمعه خوبی و حاج محمد آقا حریری پس از یک دو ماه به طهران آمدند.»



مدخل «محمدتقی، آقاسید<sup>۵۵</sup> آمده است، یا برای کسی با نام «حاجی محمدتقی» که در یزد می‌زیسته و گویا به تحریک کسی به نام مشیر کشته شده، مدخلی نیست. این نمایه کذایی ثمره درست نخواندن و حتی نخواندن متن مذاکرات است. برای نمونه مشابه، به مدخل محمدحسین نگاه کنید.

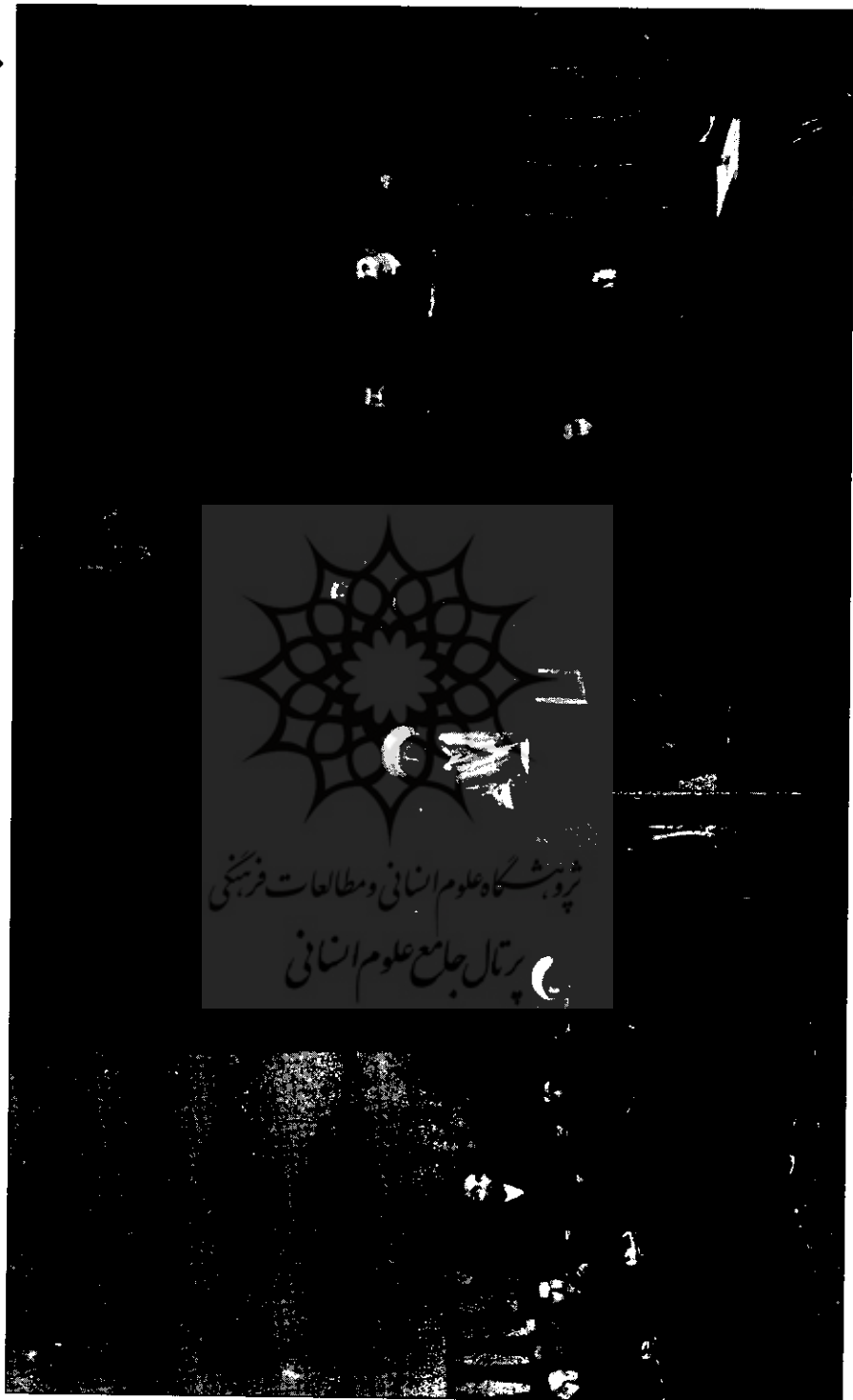
مدخلی به نام «مرتضی، سید» آمده که مقصود سید مرتضی، شاگرد شیخ مفید، فقیه قرن چهارم است. در ذیل مدخل «محمد مهدی، آقاشیخ»، یک مدخل دیده می‌شود که بنابر آنچه ذیل مدخل کرمانشاهی آمده، مقصود آقاشیخ محمد مهدی کرمانشاهی است. حال آنکه در متن مذاکرات، او با نام آقا شیخ محمد مهدی پیش‌نماز هم خوانده شده است. «صفاعلی» هم که در ص ۳۳۲ آمده، گویا لقب ظهیرالدوله است که در این صورت باید با هم آورده شود. نام نماینده مردم یزد در متن مذاکرات و فهرست اعلام، «عمادالحکماء» آمده که «عمادالاسلام» درست است و در فهرست اسامی نمایندگان، صورت درست آن نوشته شده است.

دسته دیگر از کاستیها آن است که برای مثال در ذیل مدخل «محمدعلی شاه» شماره تنها سه صفحه آمده، روشن است که هر جا هم که کلمه «شاه» آمده می‌بایست به این مدخل افزوده شود. همچنین، درباره ناصرالدین شاه، هر جا که اصطلاح «شاه شهید» آمده است. یا در برابر نام صنیع‌الدوله، احتشام‌السلطنه و ممتازالدوله تنها شماره صفحاتی آمده که نام آنها تکرار شده؛ حال آنکه می‌دانیم باید به این صفحات «رئیس» را تاروژی که در مقام ریاست مجلس بوده‌اند نیز افزود. یا در مواردی که نایب رئیس (حاج حسین امین‌الضرب و میرزا حسن خان وثوق‌الدوله) مجلس را اداره می‌کرده‌اند. همچنین مدخلی برای نایب رئیس، منشی و مباشر (کارپرداز) نیست.

اشکال دیگر در اینجاست که نمایه نام کسان و جاها در هم آورده شده است. علاوه بر این، نام بسیاری از کسان و جاها در این «فهرست اعلام» در هم و بی‌نظم، آورده نشده، یا شماره همه صفحاتی که آن نامها آمده ثبت نشده یا آن شماره‌ها به دلیلی که در پاراگراف پیش گفتم، به نادرست و به جای نام کس دیگری آمده است. از جمله نامهایی که در فهرست اعلام نیامده می‌توان به اسامی زیر اشاره کرد:

آقاسید علی [سیستانی] ص ۴۷۹، ابراهیم شریف ص ۴۹۹، میر ابوطالب ص ۳۶۷، اسامه بن زید ص ۲۶۶، اصغر و کاظم دواتگر ص ۲۳۸، انجمن سعادت دروازه قزوین ص ۴۴۹، انجمن آذربایجان ص ۴۱۱، انجمن جنوبی صص ۳۸۱ و ۴۶۵، انجمن





خیابانخانه ۳۷۱، انجمن اتحادیه اصناف ص ۳۴۹، انجمن اتحادیه فارس صص ۲۳۴ و ۲۳۷، انجمن اتحادیه طلاب ص ۲۸۳، انجمن ملی اصفهان ص ۴۹۸، امین بیگ ص ۴۲۰، جبل المتین ص ۳۲۸، بشیرالملک ص ۱۷۸، پلکنیک صص ۲۴۰ و ۲۳۸ و ۳۸۶، فولادلو یا پولادلو (ایل) صص ۳۳۷ و ۳۴۴، سید محمدتقی تنکابنی ص ۴۰۰، جعفرقلی خان ص ۲۳۷، جهانشاه خان صص ۲۴۹ و ۳۹۸، حضرت امیر علیه السلام صص ۲۶۶ و ۳۱۵، حضرت صدیقه زهرا(س) ص ۳۷۲، روح القدس (روزنامه) صص ۴۸۴ و ۴۸۵، زرتشتیان صص ۲۴۵، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۳۵، زعفرانلو (ایل) ص ۲۶۸، زکی پاشا ص ۳۶۷، زنگنه (ایل) ص ۴۲۱، سردار امجد ص ۲۹۲، سعدی (شیخ مصلح الدین) ص ۵۲۵، سیدالعشایر ص ۳۹۶، سیف العشایر ص ۴۵۲، شاهسون بغدادی صص ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، شرکت عمومی ص ۴۲۵، شکاک (طایفه) ص ۳۰۱، شمر ص ۴۰۰، نام صادق طاهباز رحیم اوف از نزدیکان حیدرخان عمواغلی به صورت «صادق آقا» آمده ص ۳۸۱، طومانیانس ص ۳۵۱، طیمس (روزنامه تایمز) که مطلبی درباره اسرای قوچان نوشته بود، عباسقلی خان (فرمانده فوج عرب و عجم) ص ۲۴۷، سید عبدالله مجتهد قمی (که با آن علیلی مزاج به مجلس تشریف فرما شده بود) ص ۵۳۶، عثمان (خلیفه سوم) ص ۳۱۵، عمروعاص ص ۳۵۰، لقب فتح السلطان (کشیکچی باشی) در مقابل نامش آورده شود، مدخلی برای «فراق» نیست. قوجا بیگلو (از ایلات مغان) ص ۳۳۹، کلهر (ایل) صص ۳۳۷ و ۴۲۱، متولی باشی ص ۲۵۴، معتمد دیوان ص ۴۵۲، ملا محمد آملی ص ۲۶۳، ملا محمدحسین ص ۳۳۹، در برابر مؤتمن الملک صفحاتی درج شده که در آنها نه نام وی که نام مؤتمن الممالک و بشیرالملک آمده؛ علاوه بر این، یک صفحه هم به اشتباه درج شده است. موزیکانچیان ص ۲۵۳، میرزا ابراهیم مجتهد شیرازی ۵۰۴، نایب حسن ص ۳۰۵، عباسقلی خان نواب ص ۴۰۵، وکلای آذربایجان، وکلای شیراز، یهود و....

نام جاهای زیر در فهرست اعلام نیامده است: امامزاده صالح ص ۳۹۹، امامزاده جعفر ص ۳۸۶، بلوک فشاویه ص ۳۸۶، بندر لنگه ص ۴۹۷، کهنه لاهیجان، لاهیجان تازه، ترکور و برادوست ص ۳۹۲، تمسک ص ۱۵۵، جده ص ۴۷۳، جهرم ص ۲۳۷، چراغ گاز(خیابان) ص ۳۷۲، چاله میدان ص ۵۲۱، سنگلج ص ۲۹۱، سیلارخور، شفارود ص ۲۹۲، شیروان ص ۳۴۳، صاحبقرانیه ص ۳۸۰، صومای (که در سه فرسخی سلماس است) ص ۳۹۲، فریمان ص ۳۵۰، قراباغ ص ۲۳۷، قلعه قطور ص ۳۰۱، قیطریه صص ۳۴۲ و ۳۵۱، کازرون ص ۳۴۴، کام فیروز ص ۳۴۵، کوند ص ۴۲۱، کمره ص ۲۴۵، کزاز ص ۲۴۵، کرکانرود (به نادرست گرگان رود نوشته شده)، گلستان ۵۲۱،

لوت ص ۴۰۰، محال ثلاثه ۳۸۶، مدرسه یونس خان ص ۳۴۹، مسجد نو (شیراز) ص ۳۴۴، مسجد سپهسالار ص ۴۶۷، مغان ص ۵۴۵، ورزقان ص ۲۴۷، یونان ص ۵۰۷. اصولاً مقدمه کتاب، و خاصه چنین «سند ارجمندی»، جایی است برای در میان گذاشتن دشواریهای پژوهش که ویراستار در ویرایش سند با آن مواجه بوده و نشان دادن روشهایی که به مدد آن گره‌ها را گشوده و قانع کردن خواننده نسبت به اطمینان آور و قابل اتکاء بودن روشی که برگزیده. ویراستار در مصاحبه با بی.بی.سی، که آنجا نیز «ناتمام» است، گفته است: «می‌دانید که مجلس یک بار آتش گرفت و سوخت. بنابراین، صورت جلسات مجلس هم سوخت. فقط آن چیزها که در روزنامه رسمی منتشر شده بود باقی ماند. منتهی روزنامه رسمی بعضی از جلسات را منتشر نمی‌کرد. از جلسات محرمانه هم که کسی خبر نداشت. به غیر از این گزارش سه چهار جلسه اصلاً منتشر نشد؛ ولی خوشبختانه، یکی از نمایندگان از این جلسات یادداشت‌هایی تهیه کرده بود. سفارت انگلیس هم گزارش‌های روزانه‌ای از مجلس تهیه می‌کرد. من هیچ‌یک از اینها را از نظر دور نداشته‌ام. با روزنامه صبح صادق هم که مذاکرات را نوشت منطبق کردم؛ منتهی این روزنامه فقط مهم‌ترین مذاکرات را منتشر می‌کرد.<sup>۵۶</sup> اساسی‌ترین ایراد نمایه نامها این است که بر نام یا لقبی که نمایندگان به آن شناخته می‌شوند، مبتنی نیست؛ برخلاف فهرست نامهای تاریخ مشروطه، احمد کسروی یا تاریخ یی‌داری ناظم‌الاسلام کرمانی که می‌تواند برای اصلاح نمایه نامها مفید باشد.

### یک نام به چند صورت

از اشکالات بارز دیگری که ویراستار توجهی به آن نکرده این است که گاهی نام یک نماینده به چندین صورت آمده. برای نمونه نام سید محمد طباطبایی: ۱. آقای آقاسید محمد مجتهد ۲. آقای آسید محمد مجتهد ۳. آقای آقاسید محمد ۴. آقای آسید محمد ۵. آقای آقامیر سید محمد مجتهد ۶. آقای آقامیر سید محمد ۷. آقای آقامیرزا سید محمد مجتهد ۸. آقای آقامیرزا سید محمد. در حالی که بهتر بود تمام این صور به صورت یکسانی آورده می‌شد.

### نام نمایندگان

کاستی دیگری که ویراستار، به علت دشواریهای این کار، ترجیح داده خود را با آن



درگیر نکند، این است که: در مذاکرات مجلس، نمایندگانی که القابی ندارند به نام کوچکشان خوانده می شوند و این مسئله در مواردی که چند نماینده با نام کوچک یکسان در مجلس حاضرند این اشکال را پیش می آورد که خواننده نمی تواند دریابد که مثلاً مقصود از آقا شیخ حسین، شیخ حسین تهرانی سقطفروش است یا شیخ حسین یزدی؟ یا حاج محمد تقی در مورد حاج محمد تقی بنکدار، حاج محمد تقی تاجر دهبنده و حاج محمد تقی شاهرودی؛ یا آقامیرزا حسینعلی در مورد میرزا حسینعلی سیگاری و میرزا حسینعلی ماهروزاده؛ یا حاج سید محمد در مورد حاج سید محمد صراف فدایی و حاج سید محمد ساعت فروش؛ یا آقاسید حسن در مورد سید حسن تقی زاده یا میرزا سید حسن خان کاشانی و ... - البته در این مورد اخیر منظور از آقاسید حسن، سید حسن خان کاشانی است - اما این موضوع از وظیفه ویراستار کم نمی کند که نام نماینده را تماماً و به روشنی ثبت کند.

با اینکه چند نماینده با نامهای محمد تقی در مجلس اول بوده است. ۱. حاج محمد تقی شاهرودی ۲. حاجی محمد تقی بنکدار ۳. حاج محمد تقی تاجر دهبنده ۴. سید محمد تقی هراتی ۵. حاج محمد تقی استرآبادی. نه در نمایه و نه در متن (در مورد برخی از این اسامی) روشن نیست تفاوت میان آنها چیست. نام آنها و دیگران (در بیشتر موارد) با نام کوچک آمده: «محمد تقی، آقاسید»، «محمد تقی، آقا شیخ»، «محمد تقی، حاج»، «محمد تقی، حاجی»، «محمد تقی، حاجی شیخ» که کار از هم باز شناختن شان را بسیار دشوار کرده است. این مورد نمونه ای از روش مواجهه ویراستار با گره ها و مشکلات این سند است.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### فهرست اسامی نمایندگان

در مورد نمایندگانی که از تهران نیستند، نام طبقه ای که آن را نمایندگی می کنند نوشته شده است. بخشی از این کاستی از روی متن مذاکرات قابل رفع است.

علاوه بر این، نام میرزا صادق خان مستشارالدوله وکیل آذربایجان، حاج امجد السلطان از شاهزادگان، میرزا سید مهدی معتمدالتولیه، وکیل مردم حضرت عبدالعظیم در فهرست اسامی نیامده. میرزا عبدالرحیم طالبوف یکی از دوازده نماینده آذربایجان بود که در ۲۷ رمضان ۱۳۲۴ از طرف طبقه تجار با ۵۴ رأی برگزیده شد.<sup>۵۷</sup> و نام او را در فهرست «اسامی آقایان مبعوثین طهران که محقق و معین شده است» در





شماره ۷ ذیقعدہ ۱۳۲۴ جریده ملی درج شد. اما از سفر طهران صرف نظر کرد که از دور تماشا می‌کنم.<sup>۵۸</sup> نام طالبوف و نمایندگانی از این دست لازم است با توضیحی در فهرست آورده شود. اما در میان نام نمایندگان آذربایجان نام «میرهاشم تبریزی» که خود را سر حلقه حکومت کیف مایشایی نموده بود<sup>۵۹</sup> به نادرست آمده است. در جلسه شنبه ۶ ذی الحجه ۱۳۲۵ میرزا فضلعلی آقا، هنگامی که بحث از انتخاب جانشینان نمایندگان مستعفی و متوفی بود گفت: «یکی از وکلای آذربایجان هم ما داریم که باید عوضشان انتخاب شود و آن آقاسید هاشم است. تکلیف این هم باید معلوم شود.

همچنین، در فهرست اسامی نمایندگانی که به جای نمایندگان مستعفی و متوفی برگزیده شدند، نام چهارکس در دو نام جمع شده: امان‌الله میرزا مجدالسلطنه، به اشتباه در پی هم آمده و اینها دو تن هستند. همچنین میرزا سلیمان خان بیان‌السلطنه. نام بیان‌السلطنه، میرزا سلمان است که در جلسه سه شنبه ۱۹ ربیع‌الاول، لسان‌الحکماء او و میرزا سلیمان خان را که «اهل این شهرند و قابل و لایق می‌شناسیم» را برای تصدی نمایندگی معرفی کرد.

آقا سید محمدحسین، که در جلسه شنبه نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ در مجلس سخن گفته، بعید است که همان سید حسین بروجردی مدیرالاسلام باشد؛ چرا که وی با نام آقاسید حسین در همان جلسه، اندکی پس از آقاسید محمدحسین، صحبت کرده است. در جلسه ۷ رجب ۱۳۲۵، نام او ذیل لایحه‌ای که سید محمدتقی هراتی<sup>۶۰</sup> خواند در کنار برخی دیگر از نمایندگان به صورت «محمدحسین» آمده است. می‌دانیم که نماینده

۵۸. همان، ص ۴۱.

۵۹. در رشت شنیده شد که، پس از حرکت ما از تبریز، وکلای انجمن ملی محض استخلاص خود از حرکات مستبدانه سید هاشم [دَوّچی] که خود را سر حلقه حکومت کیف مایشایی نموده بود به صلاحدید علمایی که ظاهراً موافق و باطناً مخالف مشروطیت بودند مشاژالیه را به عنوان نماینده دوازدهم چاپاری به طهران فرستادند. از رشت به تبریز نوشتیم که این انتخاب موجب توهین ماست. اگر نقض نشود همگی رسماً استعفا خواهیم کرد. این پروتست منطقی تأثیر عاجل بخشید و سید هاشم بدون اینکه با ما ملاقات نماید فردای ورود ما علی‌الصباح [به] طرف تبریز حرکت کرد. (صادق صادق، همان، ص ۲۶) اینکه گفتیم نام او «به نادرست» در میان نمایندگان آمده است، منصرف از مرام سیاسی و مخالفت او با مشروطیت است، اینکه «با لشکر شکست خورده دولت به طهران آمد که تحت حمایت دولت مجلس را به توپ بسته و به اعتقاد خود ریشه مشروطیت را کند... ولی دیری نگذشت که با سرنگون شدن استبداد صغیر... به دار آویخته گردید.» (همان، ص ۲۶) یعنی ما این نظر را با توجه به نظریه نمایندگی و انتخابات در مجلس مؤسس اول آوردیم. در مجلس اول مؤسس دریافتی خاص از مفهوم نمایندگی وجود داشته است، نظریه‌ای که باید آن را توضیح داد. ۶۰. نام او در پای لایحه به صورت «اقل السادات و الطلاب محمدتقی الموسوی الهروی» آمده، که در جاهای دیگر هم «هروی» تکرار شده است.



دیگری با نام حاج محمدحسین بجنوردی در مجلس اول بوده است. نام وی در جلسه پنجشنبه ۹ رمضان ۱۳۲۵ در میان غایبان آمده است و در جلسه سه شنبه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۶ احتشام‌الاطباء نماینده ترشیز گفت: «حاجی محمدحسین وکیل بجنوردی نُه ماه است رفته و از آنجا نوشته‌اند که عوض او انتخاب شود و خودش هم کتاباً و تلگرافاً استعفانامه فرستاده است.» به نظر می‌رسد «سید» به اشتباه از طرف تندنویسان به ابتدای نام «آقا سید محمدحسین» افزوده شده و، بنابراین، احتمالاً هر دو نام همان حاج محمدحسین بجنوردی است.

امین‌الرعايا که نامش در میان اسامی غایبین روز سه شنبه ۲۸ ربیع الاول و شنبه غره و سه شنبه ۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶ خوانده شد.

حاج شیخ‌الرئیس، که از اولین جلسات در مجلس حاضر است، در جلسه پنجشنبه ۵ شوال ۱۳۲۴ «از ترتیب نان سؤال کردند.» در جلسه پنجشنبه ۹ ذیحجه‌الحرام ۱۳۲۴ گفت: «همان شب از مجلس رفتم پیش وزیر مخصوص و گفتم که باید طرف به مجازات برسد.» به هر حال، در جلسه یکشنبه ۶ محرم‌الحرام ۱۳۲۶، که از انتخاب نمایندگان جایگزین سخن در میان بود و از میان شاهزادگان هم باید کسی برگزیده می‌شد، اسدالله میرزا گفت: «یک روز این حق را به شاهزادگان می‌دهند و ایشان هم... چهار نفر را معین کرده پیشنهاد مجلس می‌نمایند، آن وقت می‌گویند این حق با ایشان نیست. خوب بود که از اول این حق را به آنها نمی‌دادند و خود مجلس انتخاب می‌کرد... شاید یک نفر از آنها جناب شیخ‌الرئیس باشد.» از اینجا روشن می‌شود که حاج شیخ‌الرئیس وکیل مجلس نبوده و حضورش در چند جلسه مجلس، مانند نمونه‌های دیگر، بر پایه موقعیت اجتماعی‌اش بوده و نه وکالت او از سوی مردم - که این هم از ویژگیهای مجلس اول است که مبنای این حضور نیاز به توضیح دارد.

نام حسینقلی خان نواب، به اشتباه، در فهرست اسامی «حسینقلی خان نواب» نوشته شده است.

آقا حسینقلی، نامش در میان اسامی نمایندگان نیست. نام او در فهرستی که احمد کسروی به نقل از جبل‌التین و کتاب تاریخ مجلس ملی ایران آورده، البته در آنها هم نام چند تن کم است، در میان پیشه‌وران آمده است. در نمایه مذاکرات دو مدخل «حسینقلی، آقا» و «حسینقلی، امیرزا» آمده و در برابرشان شماره پنج صفحه در مجموع دیده می‌شود؛ که به نظر می‌رسد، با توجه به نوع و سطح سخنان، هر دو یک نفر باشند. برای روشن شدن این موضوع می‌توان از نامهای مشابه مانند حسینقلی شروع کرد. در فهرست اسامی،





[۸۰۸-۱۲۴ط]

غیر از نام حسینقلی خان نواب، که به نادرست «حسینعلی خان نواب» نوشته شده، چهار «حسینعلی» ثبت شده: ۱. «میرزا حسینعلی ماهرزاده» ۲. «حاج حسینعلی واعظ» ۳. «میرزا حسینعلی سیگاری» ۴. حاج شیخ حسینعلی دلال. اما در «فهرست اعلام» تنها نام دو «حسینعلی» آمده است؛ «حسینعلی، آقاشیخ» و «حسینعلی، حاج». بنا بر فهرست تاریخ بیداری آقامیرزا حسینقلی سیگار فروش و آقاشیخ حسینقلی دلال درست است. نام نماینده اهالی لرستان، با توجه به اینکه در جای جای متن مبشرالسلطان آمده، به نظر می‌رسد صورت درست آن همین است و نه مشیرالسلطان.

حاجی میرزا آقا مجاهد، در جلسه پنجشنبه ۱۶ صفر ۱۳۲۶ گفت: «این لفظ خلاف که آقای وکیل‌التجار اظهار کردند زیادی بود ... خوب است معذرت بخواهند.» وی نماینده مجلس نبود. وی از جلسه ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ که هیئت وزرا برای سوگند وفاداری به اساس مشروطیت و قوانین اساسی به مجلس آمده بودند، وارد مجلس شده و تا جلسه شنبه دوم ربیع‌الاول ۱۳۲۶ (کمتر از سه ماه) در جلسات شرکت کرده است. روشن نیست او چرا در مجلس حضور دارد. از این دست مسائل، که کسانی بدون آنکه نمایندگی داشته باشند در مجلس حاضر می‌شدند، و بی‌آنکه خود را نیازمند رخصتی از



رئیس مجلس بدانند، سخن می‌گفتند و رئیس مجلس هم تذکری به ایشان نمی‌داد؛ در مجلس اول نمونه‌هایی هست که باید با توجه به نظریه نمایندگی در مجلس مؤسس اول توضیح داده شوند.

از سوی دیگر، تنها به ذکر القاب تعدادی از نمایندگان بسنده شده است، بدون اینکه نام کوچک و خانوادگی آورده شود. آوردن نام کامل نمایندگان ضروری است و از این طریق می‌توان این سند را تکمیل کرد و خواننده را در فهم آسان متن یاری داد و، به علاوه، از رهگذر همین تلاش، متن پیراسته و روشن می‌شود.

همچنین، نام برخی از نمایندگان درست ضبط نشده است مانند: نام حاج سید محمد حسن الاعلام، نماینده تجار فارس، که ثقه الاسلام درج شده است. این اشتباه به صورت اخیر در متن هم در جلسه پنجمین ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵ راه یافته است. نام حاج سید اسماعیل دبیری اصفهانی در چند جا به صورت حاج سید اسماعیل ریزی آمده است، از جمله در جلسات پنجمین ۱۸ ذی‌قعدة الحرام (که وارد مجلس شد) و شنبه ۴ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۴.

### افتادگیهای برخی از کلمات

از اشکالات املایی<sup>۶۱</sup>، که بسیار هم زیادند، می‌گذرم. اما کاستی دیگری از همین دست در متن راه یافته که یک ویراستاری مسئولانه می‌توانست آن فائق آید. نخست: اشتباهاتی است که به نظر می‌رسد یا از تندنویسان است یا از خود نمایندگان.

برای مثال: در جلسه پنجشنبه ۸ جمادی الاول تلگرافی - که گفته شده - «از علمای کرمانشاه به وزارت داخله و حجج الاسلام و وکلای عظام رسیده، قرائت شده» این تلگراف همان‌طور که به روشنی از متن آن برمی‌آید از آذربایجان رسیده و اشتباهی از جانب تندنویسان رخ داده است.

دوم: افتادگیهای برخی کلمات است در جای جای متن، که از قلم تندنویسان افتاده و لازم بود که ویراستار آن را در قلاب می‌آورد. برای نمونه در جلسه یکشنبه ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۴، میرزا جوادخان سعدالدوله (ابوالمله): «باید دانست که ما سه چیز داریم که آن را اختیارات ثلاث می‌گویند. وضع قانون و حفظ قانون و اجرای قانون [وضع قانون] با

۶۱. این اشکالات در برخی از موارد به ایرادات ماهوی بدل می‌شوند. مثلاً در جلسه یکشنبه ۷ ربیع الاول ۱۳۲۵ نام مؤتمن‌الممالک به صورت مؤتمن‌الملک ثبت شده.

مجلس است و حفظ قانون با دولت و ملت است. اجرای قانون با عدلیه است.» یا در جلسه ۱۶ ذیحجه ۱۳۲۴، حاجی سید باقر سادات اخوی: «چرا [از] وزیر لشگر پول گرفتند به او کار دادند؟» در جلسه شنبه ۲۴ جمادی الاول ۱۳۲۵ کلماتی در جمله‌ای از سید حسن تقی‌زاده به نادرست ثبت شده: «مکرر گفته‌ام، باز هم می‌گویند [می‌گویم درست است] نباید [باید] درست است» وزراء را چسبید، خارج از مشروطیت است [و] تکلیف مجلس نیست اصلاح مملکت را بکند، یا اطراف شاه را صحیح نماید. باید فقط وزراء را مسئول بداند.» جلسه یکشنبه ۱۳ شعبان ۱۳۲۵: «وزیر امور خارجه [امیرزا جوادخان سعدالدوله]: اینکه گفتم در دیوان خانه عدلیه رسیدگی شود: [مقصودم] در مسئله شرکت [بود که] بدون [حضور] مأموری از طرف سفارت [روسیه در عدلیه رسیدگی شود]. و [از این که گفتم] در وزارت خارجه [رسیدگی شود، مقصودم] حضور مأمور از طرف سفارت در مسئله راه [بود].»

سوم: مواردی که برای نمایندگان روشن بوده ولی خواننده امروزی نیازمند توضیح است. مثلاً در جلسه یکشنبه ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۴، نام میرزا رضا آمده بدون اینکه ویراستار در درون قلاب [کرمانی] را اضافه کند. در جلسه سه‌شنبه ۶ جمادی الاول، حادثه‌ای از زبان یکی از نمایندگان شرح داده شده، نامهایی در این حادثه آورده شده که می‌بایست روشن شوند: «در پا منارجلو خان آقا شیخ محمدتقی [نهایندی] نارونی<sup>۶۲</sup> بوده و این جلو خان مشترک است مابین آقا سید محمدحسن، [کاشانی] و آقاسید محمدتقی نهایندی، که به قدس و زهد مشهور است. پسرهای آقا محمدباقر [جمارانی] نارون را انداخته‌اند و سر در را هم خراب کرده‌اند. امروز مذاکره شد که چرا نارون را بریده و جلوخان را خراب کرده‌اند. یکی از آن آقا زاده‌ها ششول کشید برای آقا شیخ محمدتقی [نهایندی] و آقاسید حسن، [کاشانی] وکیل [مردم کاشان] هم خواستند که او را ساکت نمایند، به روی ایشان در آمده، دست ایشان هم زخم شد.»

درباره دختران قوچان، حکمی از حاجی میرزا حسن [سیزواری] صادر شد و در جلسه سه‌شنبه ۱۹ جمادی‌الثانی از آن نام برده شده است. نام او در جلسه بعد در یک جا، به نادرست میرزا حسین آورده شده است. در جلسه سه‌شنبه ۳ رجب ۱۳۲۵، سید حسین (بروجردی مدیرالاسلام) گفت: «...نظر [علی‌خان] هم در آنجا مشغول قتل و غارت است.»، تلگرافی از اصفهان در جلسه شنبه ۷ رجب به مجلس رسید که در بخشی از آن آمده است: «...جمعی ملا نمایان به تحریک [میرزا ابراهیم‌خان] منشی‌باشی،



توهین از وکلاء و انجمن نموده...» در جلسه ۷ شعبان ۱۳۲۵ «جناب رئیس اظهار فرمودند که: جناب [میرزا احمدخان] مشیرالسلطنه با هیئت کابینه جدید برای معرفی آمدند...» جلسه سلخ رمضان ۱۳۲۵: «رئیس (احتشام السلطنه): از چادر زدن یا نزدن در خانه آفاسید علی [سیستانی] نباید گفت و گو کرد و اهمیت داد...» جلسه یکشنبه ۳ شوال ۱۳۲۵: «رئیس (احتشام السلطنه): ...اعتبارنامه‌ای از اصفهان رسیده است در باب وکالت یک نفر [مصدق السلطنه] چه می‌گویید؟».

جلسه یکشنبه ۱۶ شوال ۱۳۲۵: «اگر ما بخواهیم که ایران، ایران باشد به طوری که آن مورخ یونانی [هروودت] نوشته که ایران همیشه اهلس جنگجو بوده و در استقلال خود کوشش می‌کرد.» نمونه دیگر، مفهوم نظامنامه است که حداقل به نظامنامه اساسی و نظامنامه انتخابات هر دو اطلاق می‌شده و لازم است در قلاب روشن شود مقصود کدام است<sup>۶۳</sup>.... از آنجا که ویراستار این «مجموعه فاخر برای پژوهش در تفکر تاریخی و تدوین عصر معاصر ایران<sup>۶۴</sup>! را به دقت و وسواس نخوانده است لذا بسیاری از این نمونه‌ها را نیز ندیده است. راستی را بخواهیم وقتی به این موارد رسیدم قانع شدم که ویراستار محترم متن را کامل نخوانده یا دقیق‌تر اینکه بیشتر آن را نخوانده است.

## اشتباهات حقوقی

### الف: لغزش در مفاهیم حقوق

الف - (۱) در پاورقی صفحه ۷۵۶ آمده است: «رسم بر این بود نمایندگانی که در طی این دوره استعفا می‌داده یا فوت می‌کردند جانشین آنها از طرف نمایندگان همان محل انتخاب می‌شد.» این نحوه انتخاب نه «رسم» یا عرف که امر قانون بود و ماده ۱۲ نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی این روش انتخاب را پیش‌بینی کرده بود: «هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا یا فوت نماید و بیش از شش ماه به انتخابات جدید باقی باشد،<sup>۶۵</sup> اعضای مجلس به جای او یک نفر از اهل ایالت خودش انتخاب

۶۳. جلسه ۱۶ و ۱۵ صفر ۱۳۲۵.

۶۵. اسدالله میرزا در جلسه یکشنبه سلخ شهر ذی‌قعدة ۱۳۲۵ به درستی گفت که: «در چندی قبل، که در این خصوص صحبت شده، در نظر بنده هست که گفته شد، اگر کمتر از شش ماه به آخر دوره انتخاب مانده باشد مجلس انتخاب نماید. این است که قید شد که: «بیش از شش ماه اگر نباشد» مجلس انتخاب نماید و گویا در لفظ «باشد» و «نباشد» اشتباه شده است و کیل حق ملت است، نمی‌شود غصب کرد.» توضیح اسدالله میرزا درباره این اشتباهی که در ماده ۱۲ راه یافته درست است. اما مجلس مشروطه به این ایراد اصولی تن نداد. در متن تاریخ‌یاری هم این اشتباه تکرار شده است. ج ۱، ص ۶۰۵.

خواهند کرد.» اما زبان حقوقی ویراستار در گفت و گویی که با بی.بی.سی به مناسبت چاپ مذاکرات مجلس اول انجام داده به گونه دیگر باز هم از دقت خارج شده است. او در فرازی از گفت و گوی خود گفته است: «در واقع کاری که قانون مدنی کرد این بود که جرم و مجازات را یکپارچه کرد.

الف - ۲) ویراستار در مقدمه خود آورده است: «مجلس ملی در رویارویی با بزرگترین بحران دوره بیست ماهه فعالیت خویش، یعنی تحصن یکی از نمایندگان در زاویه حضرت عبدالعظیم نیز شیوه گفت و گو با جناح مخالف را ترک نگفت. <sup>۶۶</sup>» باید گفت نه شیخ فضل الله و نه بهبهانی و طباطبایی هیچ یک «نماینده» نبوده‌اند. همان‌گونه که شیخ رئیس و حاجی میرزا آقا مجاهد وکیل مجلس نبودند. توضیح حضور آنان در مجلس اول با مفهوم نمایندگی درست نیست. بنابراین این حضور را می‌بایست با مفاهیم دیگری غیر از نمایندگی توضیح داد. این موضوع یکی از مسائل تاریخ حقوق اساسی یا تاریخ مشروطه‌خواهی است. هر چند سیدین پس از پذیرفتن نمایندگی مسیحیان و یهودیان در سلک نمایندگی درآمدند. <sup>۶۷</sup> این موضوع درباره وضعیت احتشام السلطنه نیز صادق است. <sup>۶۸</sup> او در جلسه شنبه ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ در مجلس حضور و در بحث شرکت دارد بدون اینکه به سمت نمایندگی برگزیده شده باشد. این مسئله به همین جا محدود نمی‌شود؛ برای نمونه در جلسه سه‌شنبه ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۴ سید عبدالله بهبهانی گفت:

... آن روزی که وکلاء خواستند برای حضور وزراء و همراهی ایشان چیزی بنویسند من آن روز اسائه ادب کردم و نگذاشتم که ایشان بنویسند، گفتیم باشد که ما بنویسیم. ماهم عریضه‌ای در کمال رعایت ادب و متانت به حضور مبارک پادشاه روانه داشتیم....

و ثوق الدوله در ادامه این بحث افزود که: «... آقایان نوشتند حالا هم باید مجلس بنویسد و تکلیف بخواهد.»

۶۶. مذاکرات مجلس اول، همان، ص ۴۲.

۶۷. به نقل از میرزا ابوالحسن خان معاضد السلطنه، جلسه شنبه ۱۱ رمضان ۱۳۲۵: «این که گفته‌اند از ملل مختلفه وکیل انتخاب نشده است، چرا نشده است. از طرف زردشتیها که وکیل آن‌جا دارند، ارامنه و یهود هم خودشان حقوقشان را واگذار کردند که به حجج الاسلام.» «منتخب طایفه ارامنه وکالت خود را واگذار و تفویض به آقای طباطبایی نمودند.» «منتخب طایفه هنود حق خود را در این انتخاب واگذار به آقای بهبهانی نمودند، ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۲، ص ۶۳۶.

۶۸. ناظم الاسلام کرمانی نام میرزا محمودخان احتشام السلطنه را در ردیف منتخبین اعیان و ملاکین تهران آورده است. در حالی که مذاکرات مجلس از انتخاب او پس از بازگشت از مأموریت سرحد عثمانی حکایت دارد. رک: تاریخ‌یداری، ج ۱، ص ۶۳۳.





مجلس شورای ملی [۱۳۸۵-۱۳۸۴]

سخن وثوق‌الدوله از این رو معنادار است که «آقایان» به عنوان یک طرف در کنار «مجلس» آورده شده‌اند. در واقع علماء خود را محدود به ساز و کارهای مجلس نمی‌کردند و از روشهای خود نیز بهره می‌گرفتند. این سخن در مقام داوری درباره تلاشهای آنان نیست بلکه می‌خواهم بگویم که توضیح این حضور و تلاشها نیازمند روشن کردن مفهوم نمایندگی در جنبش مشروطیت است. که می‌تواند مبنای حضور علماء و کسان دیگری چون احتشام‌السلطنه و... در مجلس بنیان‌گذار اول را توضیح دهد. هرچه بر روزهای عمر مجلس افزوده شد این نقش به نفع محوریت نهاد مجلس تغییر کرد و از نفوذ افراد قدرت طلب کاست.<sup>۶۹</sup>

الف- ۳) از دیدگاهی که به تاریخ مشروطه‌خواهی نظر داریم برخی از شخصیتهای مجلس اول، نسبت به نقشی که در تأسیس نهادها و ترویج مفاهیم حاکمیت قانون داشته‌اند، کارنامه‌ای متفاوت، از کارنامه‌ای که پژوهشگران تاریخ مشروطه از این

۶۹. در پایان جلسه پنج‌شنبه ۱۶ ذیحجه ۱۳۲۴ بهبهانی گفت: «وزیر جنگ به بنده نوشته بودند، خیلی عذرخواهی کردند که من کار دارم و نرسیدم [که در مجلس حاضر شوم] هر امری باشد من در انجامش حاضرم و خودم هم در مجلس حاضر می‌شوم و هرچه بخواهند همراهی دارم.»





تلاشگران به دست می‌دهند، دارند. ویراستار محترم یکی از این کوشندگان را در ردیف «حرف‌ترین نماینده» آورده است.<sup>۷۰</sup> این سخن دست‌کم، درباره «حرفهای» در مجلس اول، ناروا و نادرست است. شاید رویکردی از زاویه تاریخ مشروطه‌خواهی - که مفاهیم و تفکیکهای دقیق‌تری ارائه می‌دهد - بتواند بر برخی از وجوه حوادث مجلس اول روشنایی بیفکند و نکات تازه‌ای را برملا کند. کارنامه سید حسن تقی‌زاده از زاویه‌ای که گفته آمد، شایسته بر رسیدن بیشتر و دقیق‌تر است. حضور او در مجلس مؤسس و قانون‌گذار اول از زاویه مفاهیم مشروطه‌خواهی به‌ویژه کارکرد پارلمان و مفهوم مسئولیت وزراء در خور پژوهش مستقلی است.

### ب: اشتباه در متن قوانین

ب- ۱) نظام نامه اساسی: اصل بیست و هفتم: «مجلس در هر جا نقضی در قوانین...» نقضی درست است. اصل سی و چهارم: «...رئیس مجلس می‌تواند...انجمن محرمانه‌ای مرکب از عده منتخبین از اعضای مجلس تشکیل بدهد...» منتخبی درست است. اصل سی و پنجم: «اگر مجلس محرمانه تقاضای رئیس مجلس بوده» به تقاضای درست است. اصل چهل و یکم: «هرگاه وزیر مسئول در مطلب معنون از طرف مجلس به مصلحتی همراه نشده باشد باید معاذیر خود را توجیه و مجلس را متقاعد کند.» نشد درست است. اصل چهل و دوم: «... مگر مطالب محرمانه و مستور بودن آن در مدت معینی صلاح دولت و ملت باشد.» که مستور بودن درست است و....

ب- ۲) متمم قانون اساسی: نخست اینکه ویراستار «متمم قانون اساسی» را «قانون اساسی» گفته است که درست و دقیق نیست. در اصل دوم: «علمای اعلام» درست است. اصل یازدهم «رجوع داد» درست است. اصل چهاردهم «اقامت در» درست است. اصل سی و یکم: «یک نفر نمی‌تواند در زمان واحد عضویت هر دو اصل مجلس را دارا باشد.» «اصل»، زائد است. اصل بیست و سوم: «تلگرافی» درست است و....

### فهرست آیات، احادیث و قواعد فقهی

متن برخی از آیات و احادیث درست ثبت نشده است که گویا خطای تندنویسان است. برای نمونه در جلسه ۷ ذیحجه آقاسید هاشم تبریزی این ادعیه را خواند: «اللهم افتح لنا تنصیر تعزبها الاسلام و اهله و نزل بها النفاق و اهله.» که صورت درست و کامل آن این‌گونه است: «اللهم انا نرغب الیک فی دولة کریمه. تعزبها الاسلام و اهله و تذلل

بهاالنفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاه الى طاعتك و القاده الى سبيلك.» یا در جلسه شنبه ۱۲ ربیع الثانی میرزا فضلعلی آقا تبریزی می‌گوید: «علی‌الاسلام فلیسبک الیاکون»، که صورت درست آن این است: «و علی‌الاسلام فلیسبک الیاکون»<sup>۷۱</sup>. همچنین در نطق ۳ جمادی‌الاول همان نماینده، قاعده «الضرورات تبیح المحذورات»، «میبیح» ثبت شده است. و یا آیه «ولو رد ولعاد و المانها و عنه» که حاج میرزا علی آقا مجتهد در خطاب به مخالفان مجلس که «در صدد تخریب قائمه اساس اسلامند» نقل کرد که صورت درست آن این است: «وَلَوْ رُدُّوْا لَعَادُوْا لِمَا نُهُوْا عَنْهُ»<sup>۷۲</sup>، در تلگرافی از استرآباد که روز یکشنبه ۲۵ جمادی‌الاول در مجلس خوانده شد دو آیه آمده که درست درج نشده‌اند. نخست: «و من لم يجعل الله که [الله] درست است» [نوراً فما له من نور] (نور ۴۰) و دوم: «انما جزو الدین بحاربون [جزاء الذین یحاربون] الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلوا [یصلبوا] او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض» (مائده ۳۳) این آیه در ص ۳۱۵ هم نادرست درج شده است. آیه «و یمکرون و یمکرالله و الله خیرالماکرین، آیه ۳۰ سوره انفال»<sup>۷۳</sup> که در یکی از نامه‌های مهمی که «در معنی مشروطیت» ملا عبدالله مازندرانی در مخالفت با حاج شیخ فضل‌الله نوری به مجلس نوشته است و در جلسه ۷ رجب ۱۳۲۵ خوانده شد.

اما ضرورت تدوین فهرستی از آیات و احادیثی که بنیان‌گذاران مجلس اول در کار کرده‌اند و مواضعی که در آن، مائورات را به کار برده‌اند از دیدگاه اندیشه مشروطه‌خواهی مهم است. از این رو که مطالعه کنیم؛ مشروطه‌خواهان چه بخشی از سنت را برای حد زدن بر قدرت مطلقه فعال کرده‌اند؟ و همچنین اینکه در آن کارزار در فهم آنان از سنت چه تحوُّلی پیدا شده است؟ تلوین نظریه مشروطه‌خواهی (حقوق اساسی) در ایران نیازمند کوششی در این وجه هم خواهد بود. این سخن در کنه خود بیان دیگری است از «ضرورت گذر از حقوق شرع به حقوق جدید» و گذر از مفاهیم فقهی به مفاهیم

۷۱. یعنی: پس به راستی باید گریه‌کنندگان بر اسلام گریه کنند. اصطلاحی است برای بیان عمق فاجعه مثل فزازی از دعای ندبه: «و علی‌الطالب من آل احمد فلیسبک الیاکون»، «.. فعلی مثل الحسین فلیسبک الیاکون و لیضیح لضاجون...» و عن الإمام الرضا (علیه‌السلام): «فعلی مثل الحسین فلیسبک الیاکون، فبان البکاء علیه یحط الذنوب العظام».

۷۲. بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوْا لَعَادُوْا لِمَا نُهُوْا عَنْهُ و انهم لَکَذِبُوْنَ. یعنی: ... اگر هم بازگردانده شوند قطعاً به آنچه از آن منع شده بودند برمی‌گردند و آنان دروغ گویند. (الانعام، ۲۸)

۷۳. متن کامل این آیه چنین است: «و اذ یمکر بک الذین کفروا لیثبتوک اذ یقتلوک او یخرجوک و یمکرون و یمکرالله و الله خیرالماکرین» آیات دیگری در قرآن در این مضمون آمده است از جمله: «و مکروا و مکرالله و الله خیرالماکرین آل عمران، ۵۴» و «مکروا مکرًا و مکرنا مکرًا، نمل، ۵۰» و... این مورد در متن درست ثبت شده و فقط از آن رو آوردیم تا در ویراست جدید در فهرست آیات قرآن درج شود.

حقوق عمومی - به مثابه راهی که می‌تواند به تأسیس حقوق عمومی در ایران بینجامد.

## فهرست ضرب‌المثلا

«من جرب المجرّب حلت به الندامه<sup>۷۴</sup>» این ضرب‌المثل را شیخ یوسف شیرازی در معنای مشروطه‌خواهانه و سیاسی به کار گرفت. این یک مورد را از آن رو آوردم که یادآوری کنم که تدوین تاریخ مشروطه‌خواهی تدوین وجوه دیگر «فرهنگ مشروطه‌خواهی» را نیز در بر می‌گیرد. و این یک فقره تنها سر فصلی است تا آیندگان موارد دیگر را بر آن بیفزایند.»

## فهرست مطالب

لازم است فهرستی بر مبنای جلسات مجلس تهیه کرد. یادآوری می‌کنم که در فهرست مطالب (افزوده‌ها) اشتباهی در ترتیب صفحات رخ داده است.

## عکس

در پایان کتاب تصویری از حیاط مجلس در بهارستان چاپ شده و در پایین آن نوشته شده «جمعی از نمایندگان مجلس اول»، این عنوان و معرفی برای این عکس شاید دقیق نباشد. از نحوه نشستن و قرار گرفتن افراد، چهره‌های ایشان و... می‌توان دریافت که این تصویر، نه نمایانگر نمایندگان که تصویری است از مردمانی که به دلایل مختلفی در حیاط بهارستان جمع می‌شدند. مانند تجمع اصناف پس از ترور میرزا علی‌اصغرخان اتابک امین‌السلطان. شاید فکر آوردن تصویری از تک‌تک نمایندگان نیز روشنگر باشد.

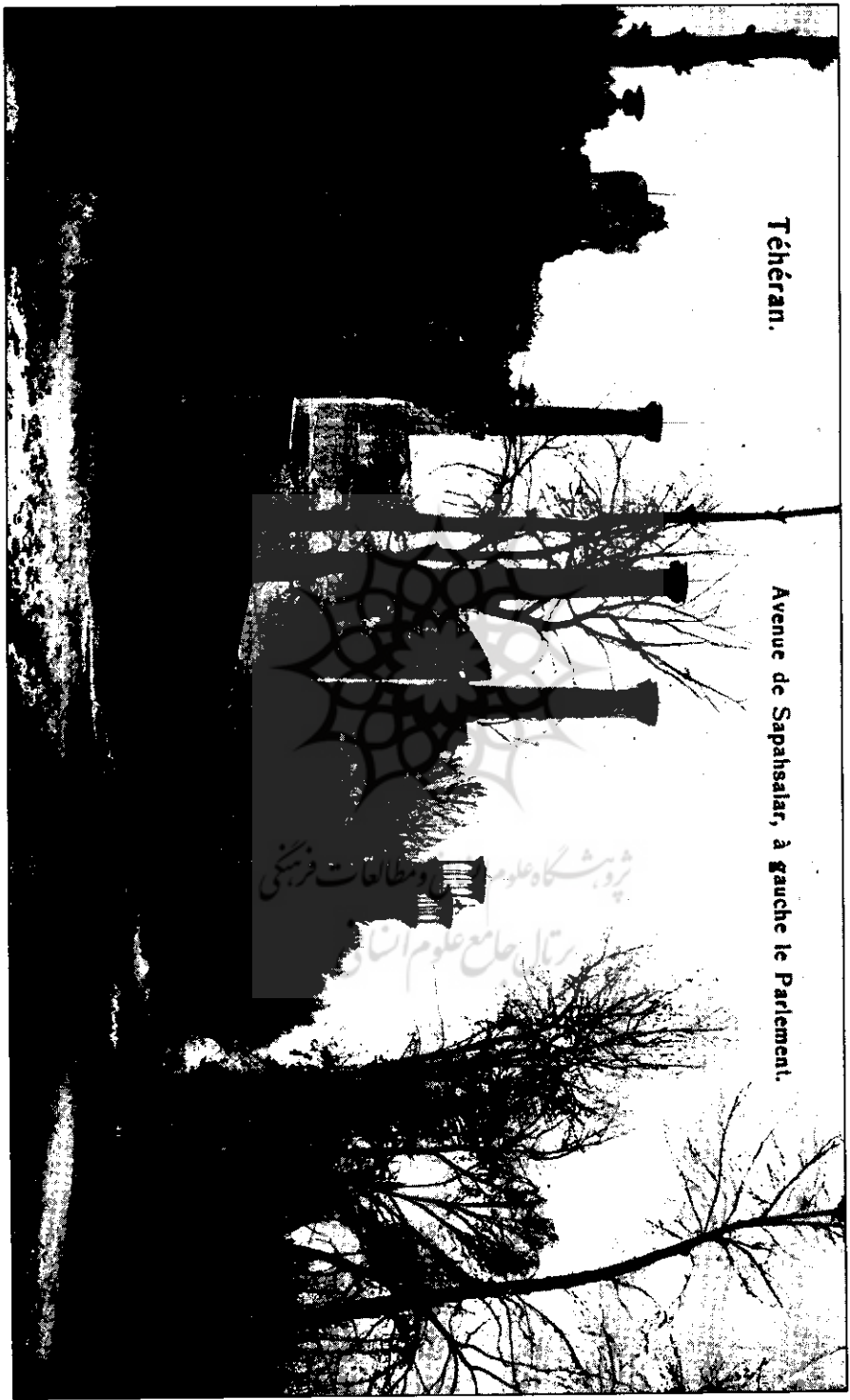
## لزوم توضیح ماههایی که در آن سالها به کار می‌رفته

فرمانروایان ترک تبار ایرانی همچون صفویان، افشاریان و پادشاهان قاجار از نامهای ترکی کهن که برای تقویم ختائی به کار می‌رفته برای سالها استفاده می‌کردند و این نام‌ها در جای جای متون تاریخی ایرانی تا اوائل قرن بیستم میلادی به چشم می‌خورد: سیقچان‌ئیل (سال موش)، اودئیل (سال گاو)، بارس‌ئیل (سال پلنگ)، توشقان‌ئیل (سال خرگوش)، لوی‌ئیل (سال نهنگ)، بیلان‌ئیل (سال مار)، یونت‌ئیل (سال اسب)، قوی‌ئیل (سال گوسفند)، پیچی‌ئیل (سال میمون)، تخای‌ئیل<sup>۷۵</sup> (سال مرغ)، ایت‌ئیل (سال سگ) و

۷۴. شیخ یوسف وکیل فارس، جلسه شنبه ۱۱ رمضان ۱۳۲۵.

۷۵. در متن قوانین «تخاقوی» آمده است. برای مثال: بودجه موقتی چهارماهه تخاقوی‌ییل ۱۲۸۸ شمسی وزارت جنگ.





Téhéran.

Avenue de Sapahsalar, à gauche le Parlement.

پژوهشگاه علوم و روش‌های اجتماعی  
رمان جامع علوم انسانی

تونگوزیل (سال خوک). این نامها در مصوبات مجلس شورای ملی پیش از سال ۱۳۰۴ خورشیدی نیز به کار می‌رفت. تا اینکه قانونی با عنوان «قانون تبدیل بروج به ماههای فارسی»<sup>۷۶</sup> یازدهم فروردین ۱۳۰۴ خورشیدی (سی و یکم مارس ۱۹۲۵ میلادی) به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این ماهها در متن مذاکرات نیز آمده که لازم است توضیحاتی برای آن آورده شود.

## سخن پایانی

از دیدگاه روش‌شناسی ویراستن و چاپ دوباره چنین سند تاریخی، با توجه به کاستیهای آن، ویراستار می‌بایست با رویکرد تکمیل کردن چنین سندی و حتی‌الامکان استقلال دادن به آن با درج اسناد - در دسترس که ارتباط مستقیم با مذاکرات دارند - در متن و با ضمیمه کردن برخی اسناد که ارتباط غیرمستقیم به مذاکرات دارند، این کار را آغاز می‌کرد. فقدان روش در مواجهه با متن و روشن نبودن ذهن ویراستار نسبت به متن و کاستیهای آن، کاری که پیش‌رو دارد، منجر به چنین نتیجه‌ای شده است. برای او صرف چاپ شدن مذاکرات مجلس اول در یک صدمین سالگرد آن مطلوب بوده بدون آنکه با متن صد سال پیش تفاوتی یا حتی نواقص بیشتری داشته باشد. مسئولیت ناشر نیز در این کار پر اشکال کمتر از ویراستار نیست، بی‌تردید نمره منفی در کارنامه هر دوی آنهاست. وضعی که مذاکرات مجلس در آن به سر می‌برد، شاید هم وجهی از اهمیت تجربه مشروطه نزد ماست که سهمش تنها سخنان پرطمطراق است.

بر خلاف آن که گفته: «در انتشار کتاب قدری تعجیل کردم»<sup>۷۷</sup> در ویرایش این سند بیش از اندازه شتاب کرده، حال آنکه خواندن غیرویراستارانه این سند هم، نیاز به زمان زیادی دارد. اما بر آمدن بر چنین متنی و کاری که باید با آن کرد در توان یک تن نیست. و این نقد نه فقط بر غلام حسین میرزا صالح که بر وضع ناگوار پژوهش در ایران است که چنین اسنادی در این وضع نابسامان چاپ می‌شوند. این نقد در ادامه کار او و برای بهتر و تکمیل کردن مذاکرات مجلس اول است. به سامان رساندن چنین طرحهایی (مذاکرات مجالس مشروطه) بر عهده گروهها و نهادهای پژوهشی است. لازم است نظام پارلمانی در ایران خود را در آینه تاریخ ببیند. خاصه تجربه مجالس مشروطه و در درجه نخست مجلس اول برای فهم نهاد مجلس در ایران حیاتی است.

۷۶. ماده اول: مجلس شورای ملی تصویب می‌نماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ رسمی سالیانه مملکت به ترتیب ذیل معمول گردد، و دولت مکلف است در تمام دوایر دولتی اجرا نماید... د: اسامی و عده ایام ماهها: ۱. فروردین ۳۱ روز... ماده دوم: ترتیب سال شماری ختا و ایغور که در تقویمهای سابق معمول بوده از تاریخ تصویب این قانون منسوخ خواهد بود.

۷۷. مصاحبه با بی.بی.سی، همان.



پرويشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني